

چہل حدیث حج

تألیف

حسین انصاریان

حوزۂ نمائندگی ولی فقیہ در امور حج و زیارت

بسم الله الرحمن الرحيم

چهل حدیث حج

نویسنده:

حسین انصاریان

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

چهل حدیث حج(انصاریان)

مشخصات کتاب

سرشناسه : انصاریان، حسین، - ۱۳۲۳

عنوان و نام پدیدآور : چهل حدیث حج/ تنظیم و نگارش حسین انصاریان

مشخصات نشر : [تهران]: مشعر، ۱۳۷۴.

مشخصات ظاهری :ص ۱۴۰

شابک : بها:۲۲۰۰ریال ؛ بها:۲۲۰۰ریال

یادداشت : کتابنامه به‌صورت زیرنویس

موضوع : اربعینات -- قرن ۱۴

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۴

موضوع : حج -- احادیث

رده بندی کنگره : BP۱۴۳/۹/الف۸۵چ۹ ۱۳۷۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی : م۷۵-۱۱۲۰

ص:۱

اشاره

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

ص:۵

پیشگفتار

زیارت خانه حق، همراه با انجام مناسک ملکوتی و اعمال عاشقانه‌ای که دستور پروردگار مهربان بدرقه آن است و انبیای الهی و امامان معصوم بر بزرگداشت تمام واقعیّاتش تأکید داشتند، در کنار دلی مملوّ از معرفت و خلوص و همّتی عالی و شوقی وافر، از ارکان اسلام و از اصول مسائل الهی و از شعائر عرشی و خلاصه از بزرگترین و با منفعت‌ترین برنامه‌هایی است که انسان مستطیع نسبت به آن مکلّف و مسؤول است.

گردهمایی عظیمی که قدرت و توان حلّ مشکلات دنیای اسلام را در همه زمینه‌ها دارد.

برنامه بسیار مهمی که می‌تواندصفوف مسلمانان را بهم پیوند داده و از این نیروی عظیمِ پراکنده، دست واحدی برای جهان اسلام واسلحه کوبنده‌ای علیه دشمنان دین بوجود بیاورد.

حقیقتی که علائق غلط و روابط بی‌معنا را از سرزمین قلب ریشه‌کن می‌کند و دل را مبدّل به حرم حق و حریم عشق نموده، جان را

ص:۶

همچونصورت پاكِ آئینهصیقل می‌دهد.

واقعیتی که آدمی را از آلودگیهای ظاهری و باطنی می‌رهاند و نفس امّاره را بر گردونه عبادت می‌کشاند، باطن را شستشو داده، توبه و انابه و تضرّع و زاری می‌آفریند و انسان را از اسارت عالم خاك نجات داده به عالم پاك می‌رساند.

تشنگان عالم معنا را سیراب، گرسنگان رزق عرشی را سیر و برهنگان از تقوا را لباس تقوا می‌پوشاند.

چشمه خیر و برکت را در مقابل انسان می‌جوشاند و حاجی را در سراپرده رحمت و لطف حضرت مولا می‌نشاند.

برای بیان مسائل ظاهر وباطن حج، آیاتفراوانیدر کتاب حق‌آمده و روایات بسیار مهمّی در معتبرترین کتب حدیث ضبط شده است. از آنجا که فرصت زائر در زمان حجّ اندك و ظرفیت قلبی و معنوی بسیاری از مسافران راه عشق، محدود است و کسی را وقت مطالعه و دقّت در آن همه آیه و روایت نیست بعثه مقام معظم رهبری، که سنگین‌ترین مسؤولیت را در راه به سامان آوردن این فریضه عظیم الهی و هدایت زائران، به حقایق آسمانی دارد و در این عرصه‌گاه معنوی، تمام توان و قدرت خود را بکار گرفته تا در سرزمین وحی و محلّ عبادت انبیا و امامان و اولیا، خیمه حج ابراهیمی بپا کند و از این مسیر، هدف بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی- قدس سره- و رهبر بزرگوار مسلمانان جهان و ولیّ امر عالم اسلام حضرت آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای- مد ظلّه- را جامه عمل بپوشاند و زمینه نیروی پر قدرت

ص:۷

انسانی را برای بپا شدن عدل جهانی بدست امام دوازدهم- علیه‌السلام- فراهم آورد تا از کنار خانه خدا همراه با مؤمنان قوی دل، شعاع هدایت و عدالت را به تمام جهان بگستراند، از این کمترین، خواسته است تا چهل حدیث در رابطه با این حقیقت عرشی و معنوی در جزوه‌ای فراهم آورم تا مسافران راه حق و فضیلت و مسیر عشق و معرفت بیش از پیش با برنامه‌های باطنی و اخلاقی و عرفانی حج آشنا شده، خالصانه به انجام مناسک بپردازند و با حجّ مقبول و سعی مشکور به وطن باز گشته، به اسلام و انقلاب وفادار بمانند و زمینه ظهور ولی عصر- ارواحنا لتراب مقدمه الفداء- را فراهم کنند.

حسین انصاریان

ص:۸

ص:۹

حدیث:۱

وجوب حج

حجّ بعنوان یک عبادت، بر اهل استطاعت، از جانب مبدأ فیض و رحمت، واجب گشته و فریضه بودن آن در آیات قرآن مجید اعلام شده و روی گردان از آن، فردی ناسپاس و نمک خورده‌ای نمکدان شکن به حساب آمده است.

مولای متقیان، امیر مؤمنان، در پایان خطبه اوّل نهج البلاغه می‌فرماید:

«وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ، الَّذِى جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلْأَنَامِ يَرِدُونَهُ وُرُودَ الأَنْعَامِ، وَيَأْلَهُونَ إِلَيْهِ وُلُوهَ الْحَمَامِ وَجَعَلَهُ سُبْحَانَهُ عَلَامَةً لِتَوَاضُعِهِمْ لِعَظَمَتِهِ وَإِذْعَانِهِمْ لِعِزَّتِهِ، وَاخْتَارَ مِنْ خَلْقِهِ سُمَّاعاً أَجَابُوا إِلَيْهِ دَعْوَتَهُ وَصَدَّقُوا كَلِمَتَهُ وَوَقَفُوا مَوَاقِفَ أَنْبِيَائِهِ وَتَشَبَّهُوا بِمَلَائِكَتِهِ الْمُطِيفِينَ بِعَرْشِهِ، يُحْرِزُونَ الْأَرْبَاحَ فِى مَتْجَرِ عِبَادَتِهِ، وَيَتَبَادَرُونَ عِنْدَ مَوْعِدَ مَغْفِرَتِهِ، جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لِلْإِسْلَامِ عَلَماً، وَلِلْعَائِذِينَ حَرَماً، فَرَضَ حَقَّهُ وَأَوْجَبَ حَجَّهُ، وَكَتَبَ عَلَيْكُمْ وِفَادَتَهُ، فَقَالَ سُبْحَانَهُ: «وَلِلَّهِ عَلَى

ص:۱۰

النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَیْهِ سَبِیلًا وَمَنْ کَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِیٌّ عَنِ الْعَالَمِینَ».» «(۱)»

«پروردگار مهربان زیارت بیت الحرامش را بر شما فریضه قرار داد و آن را قبله‌گاه مردم نمود. زیارت کنندگان در آنجا وارد می‌شوند و برای یافتن بهره معنوی ازدحام می‌کنند؛ مانند ازدحام چهارپایان تشنه در کنار چشمه آب! و آمدن به آن مکان مقدّس را مشتاقند، همانند اشتیاق کبوتران به طرف آشیانه خود، آن وجود منزّه و پاک آن جایگاه عالی را برای تواضع بندگان در برابر بزرگی و عظمتش، و تصدیقشان به عزّت و قدرتش نشانه و علامت قرار داد. از میان مردمان، شنوندگانِ فرمانش را انتخاب فرمود. آنان دعوتش را برای زیارت خانه کعبه اجابت کردند و فرمانش را گردن تصدیق نهادند و در جایگاه پیامبران برای عبادت وبندگی ایستادند و خود را به فرشتگان طواف کننده عرش شبیه نمودند، در تجارت بندگی سود فراوان بدست آورده، به موقف آمرزش و مغفرتش از هم سبقت می‌گیرند.

حضرت حق آن خانه را نشانه و علامت اسلام و پناهگاه پناهندگان قرار داد و زیارت آن محل با عظمت را واجب فرمود و احترام نهادن به کعبه را بر بندگانش لازم دانست و رفتن به آنجا را دستور داد پس در قرآن مجید فرمود: زیارت بیت اللَّه الحرام حق خداوند بزرگ بر مردم است؛ مردمی که برخوردار از استطاعتند و هر که این نعمت عظیم الهی را ناسپاسی کند، به حضرت حق زیانی وارد نکند که خدای تعالی از تمام جهانیان بی‌نیاز است.»

۱- – نهج البلاغه، خطبه اوّل؛ وسائل الشیعه، ج ۸ ص ۹

ص:۱۱

حدیث:۲

معنا و مفهوم حج

بیان حقیقت و واقعیّت حج، معنا و مفهوم این مسأله بزرگ، تنها در شأن حضرت حق و انبیا و امامان بزرگوار است.

برای حـج، گذشـته از معنـای لغوی، معنـا و مفهوم دیگری است که بایـد آن معنـا را از حریم دانش و بینش و بصـیرت برگزیـدگان حضرت محبوب جستجو کرد.

بخاطر گستردگی مفهوم حج، عاشقی از عشاق اسرار، به حضرت باقر- علیه‌السلام- عرضه می‌دارد:

«لِمَ سُمِّیَ الحَجُّ حَجّاً؟ قال: حج فلان؛ أی أفلح فلان.» «(۱)»

«برای چه حجّ خانه حق را حج نامیده‌اند؟ امام- علیه‌السلام- فرمود:

فلانی موفق به انجام حج شد، معنا و مفهومش این است که به فلاح و رستگاری دست یافت.»

۱- - بحار، ج ۹۶، ص ۲

ص:۱۲

راغب اصفهانی، دانشمند بزرگ قرآن شناس، در توضیح لغت فلاح و مشتقات آن، که در قرآن مجید زیاد آمده و در روایات و اخبار همچون روایت بالا به آن اشاره شده، می‌فرماید:

برای فلاح دو مرتبه و دو درجه قابل تصور است: ۱- مرتبه دنیوی ۲- مرتبه اخروی

مرحله دنیویِ فلاح، دست‌یابی به رشته‌های مختلف خوشبختی است؛ بصورتی که زندگی و حیات دنیای انسان پاك و پاکیزه و غرق لذت و نشاط شود و رشته‌های سعادت و خوشبختی در دنیا عبارت است از:

طول عمر با غنا و ثروت حلال، و داشتن شخصیت و عزت و احترام.

و فلاح اخروی عبارت است از:

حیات بی مرگ، ثروت و غنای بی فقر، عزّت بی ذلّت، و دانش و بینش بی‌جهل، به همین خاطر گفته‌اند: عیشی نیست مگر عیش آخرت!

بر این اساس، حج خانه حق، چنانچه از جانب زائر، همراه با رعایت مسائل فقهی و خلوص نیت انجام گیرد، سه بهره دنیوی و چهار منفعت اخروی نصیب حاجی می‌نماید که حضرت باقر- علیه‌السلام- از مجموع این واقعیات به عنوان «فلاح» یاد فرموده است:

«حَجّ فلان؛ أی أفلح فلان.» «(۱)»

۱- - مفردات راغب، ص ۳۸۵

ص:۱۳

حدیث:۳

آثار حج

خداونـد مهربان که رحمت و لطفش تمام موجودات هستی را در آغوش گرفته، نتایج و آثاری بر زحمات مثبت مردم که به دسـتور حضرتش و دستور پیامبر و امامان انجام گرفته مترتب نموده است.

حضرت حق، زحمت کوشندگان در راهش را و سعی مجاهدان در طریقش را و رنج تحمل کنندگان عبادات را هرگز ضایع نکند و ضایع نگـذارد، که ضایع گذاشـتن زحمات سالکان مسـلک عشق، از عـدل و حکمت و لطف و رحمت دور است. حج عملی اسـت مشـقت‌بار. کـاری است پر زحمت. عبـادتی است توأم بـا رنـج و گرفتاری. سـفری است با مخارج سـنگین. طاعتی است طاقت‌فرسا. قدمی است همراه با فراق عزیزان، که حضـرت حق در عوض چنین سـفری شـگفت‌انگیز، بهره‌های عجیبی قرار داده که بگوشه‌ای از موج این دریای بی‌ساحل، حضرت سجاد- علیه‌السلام- اشاره می‌فرماید:

ص:۱۴

قال علی بن الحسین علیه السلام:

«حجوا و اعتمروا تصح أبدانکم و تتّسع أرزاقکم و تکفون مؤونات عیالاتکم و قال: الحاج مغفور له و موجب له الجنّة و مستأنف له العمل و محفوظ فی أهله و ماله.» «(۱)»

حضرت علی بن الحسین- علیه‌السلام- فرمود:

«حج بجای آورید و اقدام به عمره نمایید، که برای این دو فریضه الهی آثار و منافعی است:

بدنهایتان به عرصه گاه‌صحّت و سلامت درآید، میدان روزی شما وسیع شود، هزینه و خرج اهل و عیالتان مکفی گردد و همچنین فرمود: زائر بیت اللَّه، مورد آمرزش و مغفرت حق است، بهشت عنبر سرشت بر او واجب است، عمل را از سر گیرد که او را وضعی غیر از وضع تمام گذشته اوست، خانواده و سرمایه مالی‌اش در حفظ خداوند رحیم است.»

۱- - وسائل، ج ۸ ص ۵

ص:۱۵

حدیث:۴

ثواب و بهره معنوی حج

کسی که از قسمتی از مال خود، جهت مخارج زیارت بیت اللَّه، چشم می‌پوشد و جهت آزادی از حقوق دیگران اقدام به طلب حلّیت می‌کند و برای نظام دادن به امورش، قبل از سفر حج متحمّل زحمت و رنج می‌گردد، و تن به این سفر سرشار از مشقت و سختی می‌دهد و با پای معرفت و قلبی پر از ذوق و شوق و روحی باصفا و جانی مملوّ از عشق و محبت و نَفْسی همراه با اراده و همت و ضمیری معطّر به بوی خلوص خود را در این وادی می‌اندازد بدون تردید از جانب حضرت محبوب در معرض ثوابها و بهره‌های عظیم قرار می‌گیرد که بخاطر عدم گنجایش دنیا، تمام آن ثوابها در جهان آخرت تجلی کرده و زائر را به سرسفره رحمت بی‌نهایت دوست می‌نشاند.

پیامبر با عظمت اسلام به مردی که قصد زیارت خانه حق را داشت فرمود:

ص:۱۶

«فانک جئت تسألنی عن حجّک و عمرتک و ما لک فیهما من الثواب؟

فـاعلم انّک اذا أنت توجّهتَ الی سبیل الحـجّ ثم رکبت راحلتک و مضت بک راحلتک لم تضع راحلتک خفاً ولم ترفع خفاً الّا کتب اللَّه لک حسنهٔ و محا عنک سیئهٔ. فاذا احرمت و لبّیت کتب اللَّه لک بکلّ تلبیهٔ عشر حسنات و محا عنک عشر سیّئات.

فاذا طفت بالبیت اسـبوعاً کان لک بذلک عند اللَّه عزّ وجلّ عهداً و ذکراً یسـتحیی منک ربک أن یعذبک بعده فاذاصلّیت عند المقام رکعتین کتب اللَّه لک بهما ألفی رکعهٔ مقبولهٔ.

فاذا سـعیت بین الصـفا و المروهٔ سـبعهٔ أشواط کان لک بذلک عند اللَّه عزّ وجلّ مثل أجر من حج ماشیاً من بلاده و مثل أجر من اعتق سبعین رقبهٔ مؤمنهٔ.

فاذا وقفت بعرفات الی غروب الشمس فلو کان علیک من الذّنوب قدر رمل عالج و زبد البحر یغفرها اللَّه لک.

فاذا رمیت الجمار کتب اللَّه لک بکلّ حصاهٔ عشر حسنات تکتب لک لما تستقبل من عمرک.

فاذا ذبحت هدیک أو نحرت بدنتک کتب اللَّه لک بکلّ قطرهٔ من دمها حسنهٔ فکتب لک لما تستقبل من عمرک.

فـاذا طفت بـالبیت اسـبوعاً للزیـارهٔ وصـلّیت عنـد المقام رکعتین، ضـرب مَلَکٌ کریم علی کتفیک ثمّ قال: امّا ما مضـی فقـد غفر لک فاستأنف العمل فیما بینک و بین عشرین و مائهٔ یوم.» «(۱)»

«ای زائر خانه حق، نزد من آمدی تا از حج و عمره‌ات و ثوابی که در

۱- - بحار، ج ۹۶، ص ۴

ص:۱۷

این دو عمل است از من بپرسی؟

توجه داشته باش هنگامی که در راه حج قرار گرفتی و بر مرکب خود سوار شدی و آن مرکب به راه افتاد، قدمی حرکت نمی‌کند مگر این که خداوند برای تو حسنه‌ای ثبت می‌کند و سیّئه‌ای از پرونده‌ات محو می‌نماید.

و چون احرام بستی و تلبیه گفتی، خداوند مهربان به هر تلبیه‌ای ده حسنه برایت ثبت می‌کند، و ده گناه از تو پاک می‌نماید.

و چون هفت مرتبه به طواف برخاستی، بخاطر آن نزد خداوند پیمان و یادی برایت می‌ماند، که بعد از آن، حضرت حق از عذاب تو حیا می‌کند.

و آنگاه که نزد مقام ابراهیم دو رکعت نماز بجای آوردی، ثواب دو رکعت نماز قبول شده برایت ثبت می‌گردد.

به هنگامیکه هفت مرتبه سعیصفا و مروه نمودی ثواب تو نزد حق همانند کسی است که از شهر خود با پای پیاده به حج آمده و مانند اجر کسی است که هفتاد برده مؤمن در راه خداوند آزاد کرده است!

چون تا غروب آفتاب به عرفات وقوف کردی مورد آمرزش حق قرار می‌گیری گرچه گناهانت به اندازه ریگهای متراکم باشد.

و چون رمی جمره نمودی به هر ریگی که می‌زنی ده حسنه برایت نوشته می‌شود و به اندازه آینده عمرت این ده حسنه بطور مرتب برایت ثبت می‌گردد.

و هنگامی که به ذبح گوسفند یا نحر شتر اقدام نمودی به هر قطره خونی که از آن می‌ریزد، تا پایان عمر پیوسته برای تو ده حسنه

ص:۱۸

نوشته می‌شود.

و چون هفت بار بعنوان طواف زیارت به دور خانه حق بگردی و نزد مقام دو رکعت نماز بجای آوری فرشته‌ای کریم بر دو شانه‌ات می‌زند سپس می‌گوید: آنچه بر تو گذشت آمرزیده شد، هم‌اکنون تاصد و بیست روز عمل را از سر بگیر که گناهی بر تو نیست!»

ص:۱۹

حدیث:۵

ترک حج یا گناه بزرگ

نعمت‌هـای حضـرت حق برای هیـچ حسـابگری قابـل شـمارش نیست و عنایات و الطافش به احصاء و انـدازه‌گیریِ هیـچ قدرتمنـدی درنیاید.

برخی از نعمت‌هایش هماننـد عقل، وجـدان، فطرت، سـلامت و عافیت، تمکّن و قـدرت، چشم و گوش، دست و زبان، شـکم و قدم جای گزین ندارد.

عقل بیدار و قلب بینا حکم می‌کند که به ادای حقِّ نعمتِ منعم برخیزی و سپاس و شکر نعمت دهنده را بجای آوری.

ادای حق منعم و شـکر نعمت حضـرت دوست به این نیست که چون از نعمتی همه جانبه استفاده کنی زبان در زمانی کوتاه در دهان بگردانی و آن را مـترنّم بـه ذکر «الحمـد للّه» کنی! بلکه شـکر نعمت و ادای حـق منعم به این است که نعمت را در جـایی خرج کنی کهصاحب نعمت دستور داده و منعم حقیقی نسبت به آن طرح و نقشه مرحمت فرموده.

ص:۲۰

نعمت زمانی که به اینصورت به خرج گذاشته شود، حق منعم به اندازه قدرت نعمت‌دار ادا شود و دامن حیات و زندگی انسان از لوث گناه و معصیت مصون ماند و فساد و افساد از عرصه‌گاه عیش آدمی خیمه برچیند و دست و پای شیاطین انسی و جنّی بسته گردد وصورتی از بهشت آخرت در دنیا پدیدار شود.

اگر زمینه خرجِ نعمت به دست هوای نفس و امیال و غرایز آزاد از حدود الهی و نقشه‌های شیطانی فراهم آید، حالت کفر و ناسپاسی و میدان پایمال شدن حقوق انسانی و جایگاه جولان غارتگران حقایق معنوی، با زشت‌ترین چهره جهنّمی آشکار گردد، و محل تاخت و تاز معاصی و گناهان و سوء اخلاق و اعمال پدیدار آید، و از وجود انسان چهره‌ای منفور و لایقِ غضب و سخط خداوندی ساخته شود.

فرهنگ پاك الهی، بخاطر یافتن عظیم‌ترین منافع دنیوی واخروی، در مدّت عمر یک بار، زیارت خانه منعم را بر اهل استطاعت؛ یعنی آنان که از نعمت مال و سلامت بدن و امنیت راه، و تمکّن و قدرت و عقل و درک برخوردارند واجب نموده، این کدام بی‌انصاف است که با داشتن انواع نعمت‌های حضرت حق، از امر حق و واجب الهی که در این عصر رفتن و برگشتن و انجام دادن مناسکش بیش از دو هفته وقت لازم ندارد سرپیچی می‌کند؟!

این امام هشتم، حضرت علی بن موسی الرضا- علیه‌السلام- درباره چنین کافر و ناسپاسی چه نظری می‌دهد:

«اعلم یرحمك اللّه أنّ الحج فریضة من فرائض اللّه جلّ و عزّ، اللازمة

ص:۲۱

الواجبهٔ من استطاع الیه سبیلًا، و قد وجب فی طول العمر مرّهٔ واحدهٔ و وعد علیها من الثواب الجنّهٔ و العفو من الذنوب و سمّی تارکه کافراً و توعّد علی تارکه بالنار فنعوذ باللّٰه من النار.» «(۱)»

«ای مکلّف به تکلیف حج، خدایت مورد رحمت قرار دهد. به تو هشدار می‌دهم که حج فریضه‌ای از فرائض خداوند جلیل و عزیز است و بر آن که دارای استطاعت می‌باشد واجب است و این وجوب در تمام عمر انسان یکبار است و خداوند بر انجام دهنده آن وعده بهشت و گذشت از گناهان داده است و در قرآن مجید که سند تمام حقایق است روی گردان از این واجب عظیم و فریضه بزرگ را کافر نامیده و به تارک آن وعده آتش فردای قیامت داده، پس ما از آن آتش به حضرت حق پناه می‌بریم!»

۱- - بحار، ج ۹۶، ص ۱۱

ص:۲۲

حدیث:۶

حج یا سفره گسترده رحمت حق

تصوّر رحمت بی‌منتهای آن وجود مقدسی که خود را در آیات قرآنش «ارحم الراحمین» خوانده و به این معنا هشدار داده است که سعه رحمتش کلّ موجودات ظاهری و باطنی را در بر گرفته برای هرصاحب عقلی از محالات است.

دریای رحمتش بی ساحل است، و عرصه گاه رأفتش بی کران، میدان لطفش جایگاه حیات تمام موجودات است، و برای احدی از جنبندگان مُلکی و ملکوتی نسبت به عنایتش از جانب او حرمانی وجود ندارد.

آن کس که رحمتش را محدود بداند کافر است و ناامیدی از محبتش، سیاهی کفر برصفحه قلب است. وعده رحمت خاصه‌اشصد درصد عملی است و خُلفی در آن راه ندارد. وعده عذابش گرچه دارای حتمیت باشد، از باب لطفش با حالت توبه و انابه و تضرع و زاری قابل برگرداندن است و این برگرداندن عذاب از ابتدای وعده عذاب در متن

ص:۲۳

وعده لحاظ شده است.

موجودات زنده هستی، کنار سفره رحمتش آرمیده‌اند، و هر یک به تناسب وجودشان از نعمت‌های خوان بی‌دریغش بهره می‌برند.

دست هدایتش برای نجات تمام گمراهان از خزی دنیا و عذاب آخرت دراز است و تمام درهای رضوانش به روی مؤمنان و توبه کنندگان باز است.

امیدِ امیدواران را به یأس مبدل نکند و نیاز نیازمندان را چون به مصلحت آنان بداند برآورده نماید. درد دردمندان را شفا بخشد و اضطراب مضطربان را به امنیت تغییر دهد.

دعای اهل دعا را اجابت فرماید، و خواسته خواهندگان را از دریای رحمت بی‌کرانش عطا کند.

این چنین مولای مهربانی، این چنین پروردگار کریمی، وجود مبارکی که شعاع عدل و حکمت و علم و رأفت و رحمت و لطف و عنایتش از شرق وجود تمام موجودات طالع است و بر اثبات‌صفا و اسمائش برهان و دلیلی لازم نیست، که آفتاب آمد دلیل آفتاب. اگر به عملِ اندک بنده‌اش اجر عظیم و خیر کثیر و مزد بیش از حد عنایت کند و از برکت عمل محدود عبدش به وابستگان به او نیز لطف و رحمت آورد ابداً جای تعجّب و شگفتی نیست، که او اکرم الاکرمین و ارحم الراحمین و رب العالمین و محبّ المحسنین است. در این زمینه به روایت بسیار مهم زیر که نمایشی اندک از رحمت بی‌نهایت اوست توجه نمایید:

ص:۲۴

عن ابی عبد اللّه علیه السلام قال: «ان اللّه عزّ وجلّ لیغفر للحاج و لاهل بیت الحاج و لعشیرة الحاج و لمن یستغفر له الحاج بقیة ذی‌الحجة و المحرّم وصفر و شهر ربیع الاول و عشر من ربیع الآخر.» «(۱)»

از حضرت صادق- علیه‌السلام- روایت شده که آن حضرت فرمود:

«خدای- عزوجل- مغفرتش را متوجه حاجی و زن و فرزند حاجی و قوم و قبیله زائر بیت اللّه و هر کسی که زائر برای او تقاضای مغفرت کرده، می‌نماید و این جوشش مغفرت برای تمام آنان در بقیه ماه، حج و تمام محرم وصفر و ربیع الاول و ده روز از ربیع الآخر ادامه دارد.»

۱- - بحار، ج ۹۶، ص ۲۱

ص:۲۵

حدیث:۷

خلوص در حج

ریـا و خودنمایی در عمل و انجام برنامه عبادی، برای جلب توجه مردم و جلوه دادن خویش در دیـده بیننـدگان از سیّئات اخلاقی و رذائل روحی و باطنی است.

ریـا به این معنـاست که انسان نهالی را در عالم معنا، در سـرزمین طاعت و عبادت، با ذوق و شوق بنشانـد و برای پرورش آن متحمّل زحمت و رنـج گردد، تـا جـایی که نهـال به رشـد و کمـال برسـد و به محصول دادن نزدیک گردد، آنگاه انسان ارّه‌ای تیز بردارد و بـدست غیر بسـپارد و به او التمـاس و لا‌به نمایـد که بیا و با این ارّه این نهال را از ریشه و اصل قطع کن تا من از شـیرینی محصول و میوه‌اش محروم گردم!

آری، چه جاهلا‌نه است که انسـان فریضه‌ای از فرائض الهی را بـا زحمت و رنـج انجـام دهـد و پیکره عبـادت را بدسـتور حق بسازد وطـاعت و بنـدگی را همراه بـا شـرایط لا‌زم بیـاورد، آنگـاه که عمل می‌خواهـد به نقطه قبولی حق برسـد و سـبب قبولی بهشت عنبر سرشت نصیب انسان

ص:۲۶

گردد، بـا حـالتی منافقـانه دنبال تماشای دیگران نسـبت به عملش برخیزد تا او را ببیننـد و از وی و طاعتش تعریف کننـد و وی را در انظار دیگران مؤمن و متدین و با حال جلوه دهند.

بدون تردید ریا نوعی شـرک و بفرموده امیرالمؤمنین- علیه‌السـلام- رشـته‌ای از نفاق و به گفته عرفای بیدار دل، خیانت به خویش و بنظر بینایان، تیشه‌ای به ریشه سعادت و کلنگی بر سر ساختمان عبادت و اطاعت است.

توقع اجر و مزد از حضـرت حق، نسبت به عملی که آلوده به ریا گشته، توقعی غیر عاقلانه است؛ چراکه ریاکار عبادت را برای جلب رضـای غیر بجـای آورده، آنگـاه اجرش را از خداونـدی می‌طلبـد کـه عمـل، محض خشـنودی او انجـام نگرفتـه و هیـچ ارتبـاطی به حضرتش ندارد.

انجام دهنـده واجبات بایـد بدانـد که واجب الهی اگر همراه با ریا انجام گیرد، بـدون شک عمل باطل است و قضای آن بر عهـده او واجب.

عبادت کننـده بایـد به این معنا توجه داشـته باشـد که کلید بهشت و جهنم فقط و فقط بدست اراده حضـرت حق است، و روز قیامت احدی را جز حضـرت حق، حقّ محاسبه پرونده بندگان نیست. اوست که باید عمل را بپذیرد و هم اوست که باید به عمل اجر و مزد مرحمت کنـد. روی این حسـاب نبایـد عمـل را بـا تیشه ریـا ریشه‌کن کرد و با زهر ریا کام عمل را آلوده نمود و با آتش ریا درخت عمل را سوزاند و با ارّه ریا نهال عبادت را از زمین قبولی حضرت محبوب ارّه کرد.

در روایات مربوط به باب واجبات و اعمال خیر آمده: در روز

ص:۲۷

قیامت به ریاکاران می‌گویند پرونده عمل خود را نزد مردمی که برای خوش‌آمد آنان کار کردید ببرید و مزد زحمات خود را از آنان دریافت کنید!

رعایت خلوص در واجبات، واجب شرعی است. نیت خالصانه باعث قبولی عمل است، نیت پاک به عمل ارزش معنوی و قیمت آخرتی می‌دهد. نیتصاف مرکبی است که عمل را به وادی رضایت حق می‌برد. خلوص نیت، کلید در رحمت حق و لطف حضرت محبوب و باعث جلب رضای دوست نسبت به عمل است.

حج فریضه‌ای از فرائض حق است. بر حاجی واجب شرعی است که تمام مناسک حج را با نیت خالص بجای آورد و از جلب توجه مردم نسبت به اعمالش بپرهیزد که ریای در حج مبطل حج و باعث عوارض سنگینی است که گاهی قابل جبران نیست و همانطور که در روایات آمده حج ریایی در قیامت مزدش بر عهده مردمی است که حاجی در مناسک حجش تماشای آنان را منظور داشته و برای نمایاندن خویش به آنان عمل را انجام داده است!

به روایت زیر با دقت قلبی توجه کنید:

عن ابی عبد اللَّه علیه السلام قال: «الحج حجّان حجّ للَّهو حجّ للناس، فمن حج للَّه‌کان ثوابه علی اللَّه الجنهٔ و من حج للناس کان ثوابه علی الناس یوم القیامهٔ.» «(۱)»

۱- - بحار، ج ۶۹، ص ۲۴

ص:۲۸

امامصادق- علیه‌السلام- فرمود: «حج دو نوع است: حج برای خدا، و حج برای مردم. آن کس که حج را با نیت خالص و برای خدا بجای آورده ثوابش در پیشگاه حق بهشت است و هر کس حج را برای جلب توجه مردم بجای آورده ثواب و اجرش در قیامت به عهده همان مردم است!»

در حقیقت روایت می‌خواهد بگوید حج ریایی در قیامت هیچ گونه بهره‌ای نصیب عمل کننده‌اش نمی‌کند؛ چراکه اجر و ثواب در قیامت در اختیار احدی جز حضرت حق نیست.

ص:۲۹

حدیث:۸

برنامه‌ای دیگر بجای حج

انسـان گـاهی برای امر معـاش و اداره امـور زنـدگی به دنبـال کـاری مشـروع می‌رود، ولی موفق به تحقّق هـدف خود نمی‌گردد، امّا اینطور نیست که چون کار مورد نظر انجام نگرفت کار دیگری برای اداره امور زنـدگی در دسترس نباشد، آنقدر عرصه‌گاه تلاش و کوشش دارای وسعت است که می‌توانصدها کار دیگر را جایگزین کاری کرد که زمینه انجامش فراهم نشد.

آدمی گاهی می‌بیند زمان عبادتی خاص مانند ماه مبارک رمضان فرا رسـیده ولی بخاطر سـفر یا مرضـی که پیش آمده، از انجام آن عبادت عظیم معـذور است و این عـذر ممکن است تا پایان عمر برجا بمانـد، اینطور نیست که نتوانـد عمل دیگری را بجای روزه ماه رمضـان قرار دهـد، بلکه خداونـد مهربـان اطعـام مسـاکین را برای معـذور جـایگزین نموده و این جـایگزینی بهره مطلوب را نصـیب روزه‌دار می‌نماید.

ص:۳۰

در روایت آمـده که فقرای مدینه به رسول خدا عرضه داشـتند، ما هم علاقه داشتیم مانند دیگران از ثروت بهره‌مند بودیم و آن را در راه خداونـد انفـاق می‌کردیم، و به حـلّ مشـکلات مردم کمـک می‌نمودیم امـا دست مـا از مال دنیا کوتاه است و ما در این مورد از رحمت و لطف حق محرومیم. حضـرت به آنان فرمودنـد: ناراحت نباشـید، بجای انفاق وصدقه و کمک به دردمندان که مورد علاقه شمـاست ولی قـدرت آن را نداریـد، از خداونـد یـاد کنیـد و بـه ذکر حضــرت محبـوب دل مشـغول داریـد کـه همـان ثـواب انفـاق ثروتمندان، نصیب شما می‌شود و یاد خدا در پرونده شما جایگزین مالی خواهد شد که در راه خدا خرج شود.

ولی بعضـی از فرائض و واجبات الهی، درصورتی که مکلّف قدرت انجام آن را داشته باشد، اگر بخواهد آن را ترک نماید و بجای آن برنـامه دیگر را جـایگزین کنـد عملی در اسـلام وجـود نـدارد که جـای آنچه را تکلیـف انسـان است بگیرد و حـج از آن نمـونه برنامه‌هـاست که اگر مکلّف بخواهـد آن را ترک کنـد و پول و خرج و مخـارجش را در راه خـدا بگـذارد، یا عمل دیگری را بجای حـج انجام دهـد، خلأ حـج را در پرونـده پُر نمی‌کنـد و گناه ترک آن در پرونـده انسان ثبت است و هیـچ ثوابی جای آن را نخواهد گرفت، در این زمینه به روایت زیر توجه نمایید:

عن ابی عبد اللّٰه علیه السـلام قال: «لما افاض رسول اللّٰه-صلّی اللّٰه علیه و آله- تلقّاه أعرابی فی الأبطح فقال: یا رسول اللّٰه إنی خرجت أریـد الحـجّ فعـاقنی عـائق و أنا رجل ملئ کثیر المال فمُرنی أن أصـنع فی مالی ما أبلغ ما بلغ الحاج قال: فالتفت رسول اللّٰه-صـلی اللّٰه علیه و آله- إلی أبی قبیس

ص:۳۱

فقال: لو أنّ أبا قبیس لک، زنته ذهبهٔ حمراء أنفقته فی سبیل اللَّه ما بلغت ما بلغ الحاج.» «(۱)»

امام صادق-ع- می‌فرماید: «زمانی که رسول با کرامت اسـلام به حج خود پایان داد، عربی در سرزمین مکه با حضرت روبرو شد، و عرضه داشت ای رسول خـدا، از منزلم به نیت حـج درآمـدم، ولی مـانعی بر سـر راهم قرار گرفت و مرا از زیارت بیت و مناسک آن مانع شد، در حالی که دستم از ثروت و مکنت پر است، اکنون مرا امر کن که مالم را در برنامه‌ای بریزم که به آنچه حاجیان از ثواب رسیدند، برسـم حضـرت رو بجـانب کـوه ابوقـبیس کردنـد و فرمودنـد: اگر به وزن آن طلای قرمز در راه خـدا انفـاق کنی به آنچه حاجیان از ثواب رسیدند نمی‌رسی!»

۱- - ثواب الاعمال، ص ۴۳؛ بحار، ج ۹۶، ص ۲۶

ص:۳۲

حدیث:۹

دعا برای رسیدن به عرصه‌گاه حج

دعا و درخواست، تضرّع و زاری بدرگاه حضرت حق، عبادتی بزرگ و حسنه‌ای عظیم و عملی محبوب خداوند کریم است. گدایی برای تهیدستی چون انسان، از ذات مقدسی که مستغنی از عالمین است، و باب خزانه مُلک و ملکوتش به روی همه موجودات باز است کاری نیکو و راهی به حلّ مشکلات، و نردبانی برای رسیدن به اهداف عالیه، و مسائل الهیه است.

در قرآن مجید امر الهی به دعاصادر شده، و خود حضرت حق ضامن اجابت گشته.

دعا و مناجات، در حقیقت ارتباط عاشقانه عاشق با معشوق حقیقی و پیوند باطنی محبّ با محبوب ازلی و ابدی است.

حیات قلب، نشاط جسم، نور زندگی، سلامت روان،صفای باطن، دعا و انابه و زاری به درگاه حق است.

دعا سلاح انبیا، کار ملائکه، روش ائمه طاهرین، عمل عارفان، فعل

ص:۳۳

عاشقان، و سیر والهان حریم مهر و محبت است.

حیات بدون دعا، زندگی منهای اشک و زاری، حیات جمادی است.

نیاز انسان به دعا نیازی مبرم و احتیاجش به گریه و زاری در پیشگاه حق احتیاجی طبیعی است.

گریه بر هر درد بی درمان دواست چشم گریان چشمه فیض خداست

تا نگرید طفل کی نوشد لبن تا نگرید ابر کی روید چمن

تا نگرید طفلک حلوا فروش دیگ بخشایش نمی‌آید بجوش

آن که نسبت به دعا کبر ورزد، آن که احساس نیاز به دعا نکند، آن که خود را محتاج به انابه و تضرع نداند، از گروه مستکبران و به فرموده کتاب حق، مستحق عذاب الهی است.

در مسأله با عظمت حج، گرچه استطاعت شرط شده اما به غیر مستطیع اجازه داده شده برای تحقق استطاعت جهت انجام مناسک حج دعا کند و از حضرت محبوب بخواهد از خزانه غیبش زمینه استطاعت او را فراهم کند تا به انجام این فریضه بزرگ و بدست آوردن ثوابهای بی‌حساب آن موفق شود؛ روایت زیر ناظر به این معناست:

عن عبد اللَّه بن الفضل قال: «قلت لأبی عبد اللَّه- علیه‌السلام- إنّ علیَّ دیناً کثیراً و لی عیال و لا أقدر علی الحجِّ فعلّمنی دعاءاً أدعو به فقال: قل فی دبر کلّصلاهٔ مکتوبهٔ:

اللّهمّصلّ علی محمد و آل محمد و اقض عنّی دین الدنیا و دین الآخرهٔ.

فقلت له: اما دین الدنیا فقد عرفته فما دین الآخرهٔ؟ فقال: دین الآخرهٔ

ص:۳۴

الحج.» «(۱)»

عبـد اللَّه بن فضل می گوید: «به حضـرتصادق- علیه‌السـلام- عرضه داشـتم، قرض زیادی بعهده دارم، عائله‌مندم، قدرت بر حج ندارم مرا دعایی بیاموز که از برکت آن دعا توفیق حج پیدا کنم، امام فرمود بدنبال هر نماز واجب بخوان:

اللّهمّصلّ علی محمد و آل محمد و اقض عنّی دین الدنیا و دین الآخرهٔ.

«خداوندا! درودت را نثار محمد و آل محمد کن، و دین دنیا و آخرت مرا ادا بنما.»

گفتم: ای فرزند رسول خدا، دین دنیا برایم معلوم و روشن است، دین آخرت چیست؟ فرمود: دین آخرت حج است.

ملاحظه کنیـد حجِّ خانه حق در چه درجه‌ای از اعتبار و اهمیت است که امامصادق به راوی نفرمود، با کثرت قرض و عیالواری تو را به مسأله حـج چکار است، اکنون که مسـتطیع نیستی چه طمعی به مناسک حج داری، بلکه با عشق محبت برای تحقق اسـتطاعت دعا تعلیم او فرمود، تا از این سفره پر نعمت حق و از این مائده معنوی بهره کثیر عاید او گردد!

۱- - بحار، ج ۹۶، ص ۲۷

ص:۳۵

حدیث:۱۰

حج یا ضیافت خاص حق

پهنه هستی، خوان نعمت حق است و عرصه‌گاه وجود، سفره رزق و روزی خداوند کریم و تمام موجودات. عالم بر سر این مائده نامحدود مهمان وجود مقدس حضرت ارحم الراحمینند.

ولی باید بدانیم که مجموع این نعمت‌ها نعمت مادی و روزی ظاهری و رزق طبیعی خدا است که تمام موجودات زنده، به لحاظ داشتن جسم مادی، بطور مشترک بر سر این خوان نعمتِ دوست، مهمانند.

ولی حضرت حق را سفره دیگری است بعنوان نعمت باطنی یا معنوی، که در قرآن مجید بطور مکرّر به این سفره اشاره شده است و این سفره خاصّ انسان است، آنهم انسانی که از ایمان به خدا و روز قیامت برخوردار است و در حدّ خود، عامل به احکام شریعت و سالک سلک حقیقت است؛ چرا که انسان منهای ایمان به خدا و روز قیامت و عاری از اعمالصالح و اخلاق پسندیده، جزو حیوانات است

ص:۳۶

و نصیبی جز از سفره مادی حضرت محبوب ندارد.

مهمان سفره معنوی مهمان خاص خداست، و از ارزش بالایی برخوردار است.

در این ضیافت از عقل و قلب و روح و باطن انسان با رزق معنوی پذیرایی می‌کنند، و حیات عمومی آدمی را تبدیل به حیات طیب می‌نمایند و این مزد دنیایی انسان در مقابل فرمانبری و طاعت او از حضرت حق است. اما در ضیافت آخرت، پذیرایی از مهمان ابدی و همیشگی و جاوید و سرمدی است، لذّات معنوی بر سر سفره قیامت لذّاتی است که جز حضرت حق کسی از آن خبر ندارد، حتی مهمان تا قبل از بهره بردن از نعمت‌های آن مائده، از درک و فهم آن عاجز است.

به دورنمایی از این ضیافت معنوی در روایت زیر توجه نمایید:

محمد بن الحسن الهمدانی قال: «سألت ذاالنّون البصری قلت: یا ابا الفیض لمصیّر الموقف بالمشعر و لم یصر بالحرم؟ قال: حدّثنی من سأل الصادق- علیه‌السلام- ذلک فقال: لأنّ الکعبهٔ بیت اللّٰه الحرام و حجابه و المشعر بابه فلما ان قصده الزائرون وقفهم بالباب حتی أذن لهم بالدخول، ثمَّ وقّفهم بالحجاب الثانی وهو مزدلفهٔ فلمّا نظر إلی طول تضرّعهم أمرهم بتقریب قربانهم فلما قرّبوا قربانهم و قضوا تفثهم و تطهّروا من الذنوب التی کانت لهم حجاباً دونه، أمرهم بالزیارهٔ علی طهارهٔ.

قال: فقلت: لم کره الصّیام فی أیام التشریق؟ فقال: لأن القوم زوّار اللّٰه و هم فی ضیافته، و لا ینبغی للضیف أن یصوم عند من زاره و أضافه!

ص:۳۷

قلت: فالرجل يتعلق بأستار الكعبة ما يعني بذلك؟ قال: مَثَل ذلك مَثَل الرجل يكون بينه و بين الرجل جناية فيتعلّق بثوبه يستخذى له رجاء أن يهب له جرمه.» «(۱)»

محمد بن حسن هَمْدانی می‌گوید: «از ذاالنون بصری پرسیدم: ای ابوفیض چرا موقف زائر را مشعر قرار دادند و این معنا مربوط به حرم نشد؟

در پاسخم گفت: کسی که این مسأله را از حضرتصادق-ع- پرسیده بود به من گفت: برای این که کعبه خانه خدا و حریم حجاب اوست، و مشعر باب آن حرم است، چون زائران قصد حرم حق کنند، آنان را کنار باب حرم متوقف می‌کند، تا برای آنان اجازه ورودصادر گردد، سپس زائر را در حجاب دوم که سرزمین منا است وقوف می‌دهند، چون به تضرّع و زاری طولانی آنان بنگرد، امر به قربانی می‌دهد، وقتی قربانی خود را به محضرش تقدیم کردند و اعمال منا را به پایان بردند و از گناهان خود که حجاب بین آنان و حضرت محبوب است پاک شدند، به آنان بر اساس آن طهارت معنوی، امر به زیارت می‌کند.

به حضرت عرضه داشتم چرا در ایام تشریق روزه گرفتن کراهت دارد، فرمود: برای این که حاجیان زائران خدا و در ضیافت و مهمانی حضرت اویند، سزاوار نیست که مهمان در محضر مهماندار روزه باشد.

گفتم: حاجی پرده خانه را می‌گیرد، منظور از این برنامه چیست؟

۱- - بحار، ج ۹۶، ص ۳۴

ص:۳۸

فرمود: مثل کسی که پرده را می‌گیرد، همچون کسی است که بین او و انسان دیگری جنایتی واقع شده باشد از باب فروتنی دامن طرف خود را می‌گیرد، به امید آن که طرف مقابل از جنایتش بگذرد، گرفتن پرده کعبه به این معناست که: الهی از معاصی و گناهان من گذشت فرما و مرا مورد مغفرت و رحمت خویش قرار ده.

ص:۳۹

حدیث:۱۱

حجّ یا منبع عظیم منافع مادی و معنوی

انسـان از برکت نیروی با عظمت عقل، و اراده و اختیار و قـدرت و طاقت، موجودی است مکلّف و مسؤول. این خلیفه خـدا در روی زمین، نسبت به هر واقعیتی که با آن در ارتباط می‌باشد مسؤول است.

نسـبت به خود مسؤول سلامت جسم و جان و حفظ خویش از خطرات، و مسؤول تحقّق رشد و کمال و خیر و سعادت، و آبادی دنیا و آخرت است.

در تحقـق اهـداف حق، و اطـاعت از دسـتورات پروردگـار و خودداری از محرّمـات که محصولی جز زیـان و خسـارت ابـدی نـدارد مسؤول است.

نسبت به پدر و مادر، زن و فرزند، اقوام نزدیک و دور، و همه انسانهایی که با آنان مربوط است دارای مسؤولیت است.

این مسؤولیت‌ها از جانب خداوند کریم، رحیم، ودود، غفور، رزاق، رحمان، قدوس، مهیمن، عزیز، حکیم و حلیم به او واگذار شده،

ص:۴۰

که این واگذاری مسؤولیت از جانب حضرت حق به انسان، عین لطف و رحمت حضرت اوست. آنان که به این معنا واقفند و برای آنان این حقیقت شیرین روشن است، با تمام وجود عاشق تکالیف و وظائف خود هستند.

اهل معرفت جان خود را در راه انجام وظائف و تکالیف، نثار حضرت محبوب کردند و تحمل همه گونه رنج و مشقت را در مسیر ادای تکالیف بر دوش جان هموار نمودند.

آنها به این واقعیت بصیرت داشتند که هر مسؤولیت و تکلیفی، کارخانه تولید منافع دنیایی و آخرتی است و رضای حق و بهشت عنبر سرشت و حیات طیبه میوه شیرین شجره طیبه مسؤولیت است و اگر کسی بخواهد به حیات طیبه در دنیا و خشنودی حق و بهشت ابد در آخرت برسد، راهی جز ادای تکلیف و پیاده کردن مسؤولیت‌ها ندارد.

حج مسؤولیتی است عظیم که از جانب حضرت حق، از باب لطف و رحمت به انسان واگذار شده، انجام این عبادت بزرگ همراه با نیت پاک، و قلبی خالص تولید کننده بهره‌های بسیار مهم دنیایی و آخرتی است که روایت زیر نشانگر گوشه‌ای از آن منافع سرشار، و محصولات بی‌شمار است.

عن الرضا- علیه‌السلام-: «علّة الحج الوفادة الی اللّه- عزّ وجلّ- و طلب الزیادة و الخروج من کل ما اقترف، و لیکون تائباً ممّا مضی، مستأنفاً لما یستقبل، و ما فیه من استخراج الأموال، و تعب الأبدان، و حظرها عن الشهوات و اللذات، و التقرب فی العبادة الی اللّه- عزّ وجلّ-

ص:۴۱

و الخضوع و الاستكانة و الـذلّ، شاخصـاً فى الحرّ و البرد، و الأـمن و الخوف، ثابتـاً فى ذلـك دائمـاً، و مـا فى ذلك لجميع الخلق من المنـافع و الرغبـة و الرهبـة الى اللّه- عزّ وجلّ- و منه ترك قساوة القلب و خساسـة الأنفس و نسـيان الـذكر و انقطاع الرجاء و الأمل، و تجديـد الحقوق و حظر الأنفس عن الفساد و منفعـة من فى المشـرق و المغرب و من فى البرّ و البحر و ممّن يحـجّ و ممن لا يحـجّ من تاجر و جالب و بايع و مشتر و كاتب و مسـكين و قضاء حوائج أهل الأطراف و المواضع الممكن لهم الاجتماع فيها، كذلك ليشـهدوا منافع لهم.

و علـة فرض الحـج مرّة واحدة لأنّ اللّه- عزّ وجلّ- وضع الفرائض على أدنى القوم قوّة، فمن تلك الفرائض الحج المفروض واحد، ثمّ رغّب أهل القوة على قدر طاقتهم.» «(۱)»

از حضرت رضا- علیه‌السلام- روایت شده: «آنچه موجب وجوب حج گشته امور زیر است:

سفر معنوی وپرواز ملکوتی وحرکتی‌عرشـی به سوی خـدای- عزوجل- و درخواست اضافه شـدن نعمت‌های مادی و باطنی از جانب حضـرت محبوب و پـاک شـدن از تمـام گناهـانی که قبل از حـج در تمام دوران عمر دامن پاک حیات را آلوده کرده است، و برای قرار گرفتن در مدار توبه از آنچه که در گذشته از زمان، بر انسان گذشته و از سر گرفتن اعمال برای آینده بمانند کسی که تازه قدم در عرصه تکالیف گذاشته و چیزی بر او نیست.

در این مسؤولیت سنگین و با برکت خرج کردن مال و منال در راه

۱- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۹۰؛ بحار، ج ۹۶، ص ۳۲

ص:۴۲

خدا و مشـقت و رنج بدنی و باز داشتن نفس از شهوات و لذات حرام و افتادن در حوزه عاشقانه قرب بحق از طریق عبادت و بندگی به چشم می‌خورد.

حج باعث طلوعصفت نورانی خضوع و استکانت و ذلت از مشرق وجود عبد، در افق حریم مقدس حضرت ربّ الأرباب است.

حج سیر و سـفر و تحرك و حرکت در گرما و سرما و بهنگام امنیت و ترس و ثابت قدمی و استقامت دائمی در امور الهی و معنوی است، که این امور علّت جلب رحمت واسعه حق، و لطف و مرحمت حضرت مولاست.

در این سفر منافع بسیاری برای مردم است و در این عرصه‌گاه حق و حقیقت شوق به لقای دوست و ترس از عظمت و جلال او، قلب را تسخیر می‌کند.

در برخوردهای مردم با یکدیگر در این سـفر معنوی، و ظهور حال و قال ملکوتی و نشـست و برخاست با پاکان، که معاشرت با آنان از برکات این سـفر است، یک سلسله از دردهای درونی و بیماریهای باطنی به نقطه شفا می‌رسد از جلمه: قساوت قلب، پستی نفس، غفلت از حق، خاموش شدن آتش آمال و آرزوهای بیجا.

در این سفر زائر بیت موفق به تجدید حقوق، و وادار کردن نفس به تقوای الهی می‌گردد، و زمینه خیر دنیا و آخرت خود را از طریق حفظ نفس از فساد و افساد فراهم می‌نماید.

این سـفر منبع خیر و برکت برای اهل مشـرق و مغرب، و اهل آب و خشـکی است، و نیز برای آن که حـج بجا می‌آورد و آن که در این

ص:۴۳

مسیر نیست از تاجر فراهم کننده جنس، و فروشنده و خریدار و نویسنده و از کار افتاده و خلاصه برنامه‌ای عجیب، و مسأله‌ای عظیم و عبادتی بزرگ است که هر کسی از اهل زمین، بصورتی از منافع آن بهره‌مند می‌شود!

برنامه حج قضا کننده حوائج مردم اطراف آن سرزمین و مواضعی است که اجتماع برای اهل آن ممکن است تا شاهد بهره‌های آن برای خود باشند.

واجبات الهی بر اهل قدرت و استطاعت فرض است. مردمان را گاهی در تمام عمر یک بار برای سفر حج قدرت و قوت حاصل می‌شود، به این خاطر در تمام دوره عمر یک بار واجب شده، ولی اهل طاقت و قدرت ترغیب و تشویق شده‌اند که نسبت به حج به اندازه توان و قوّت خود اقدام نمایند.»

ص:۴۴

حدیث:۱۲

حجّ انجام داده را از آفات حفظ کنید

تصور گروهی از مردم که از آیـات قرآن مجیـد و کلمـات گهربار اهل بیت و انبیا و اولیا خبر ندارنـد، بر این است که آنچه از عمل صالـح و اخلاق پسـندیده و کار خیر و امور برّ از انسان صادر شـده دوام و بقای آن ابدی و همیشـگی است، و هیچ عاملی قدرت از بین بردن آن را نـدارد و روز قیـامت در پرونـده انسـان لحـاظ می گردد، و به مقتضـای آن، اجر و مزد داده می‌شود در حالی که این تصور و خیـال ریشه شـرعی و عقلی نـدارد، بلکه آیات و روایات دلالت بر این معنا دارد که اگر انسان تا لحظه خروج از دنیا، تقوا و پاکی و خویشـتن‌داری از گناه و خودداری از معاصـی را حفظ نکنـد، دچار حبط عمل و به باد رفتن خوبیها و منهدم شدن ساختمان ایمان و عملصالح و اخلاق حسنه می‌شود.

در بسیاری از روایات آمده که رسول خدا بطور دائم نسبت به حوادث بعد از خودشان اعلام ترس و وحشت می‌فرمودند، وحشت از این که در طوفان حادثه‌ها ایمان مردم از دست برود و بنای اعمال صالح

ص:۴۵

آنان ویران گردد.

رسول خدا نسبت به مردم بعد از خود و مسلمانان آینده، تعبیر به «مارقین»، «قاسطین» و «ناکثین» داشتند، آنان که از عرصه‌گاه ایمان چون تیر از کمان بدر روند و گروهی که پای از جاده حق بیرون نهند و جمعیتی که عهد و پیمان الهی خود را بشکنند و دین به دنیا معامله کنند.

رسول حق در روایت مفصّلی از مردم آخر زمان خبر می‌دهند که نماز را ترک نمایند و پیرو یهود و نصاری شوند و به قبول فرهنگ کفر و شرک و نفاق تن دهند، و غرق در شهوات و لذات حرام گردند، و جز سفره حرام در منازل نیندازند و زنان و دخترانشان از حجاب عاری شوند و خلاصه ایمان و عملصالح را دربازند و دچار بیدینی و فساد گردند.

بنا به آیات قرآن و روایات و تاریخ، چه بسیار مردم مؤمن و مؤدب به آداب حق بودند که بخاطر مال دنیا و جاه و مقام ظاهری و شهوات و لذات زودگذر، از دایره حق بیرون رفته و با شیطان همدست شده و بنای شخصیت خود را ویران نموده و خویشتن را مستحق عذاب ابد کرده‌اند.

در آثار اسلامی آمده است که قارون به مدت بیست و پنج سال معلّم تورات و استاد احکام الهی و مدرس مسائل دینی بوده و با موسی بن عمران هماهنگی داشته، ولی مغرور ثروت مادی شد و عاری از حق و حقیقت گشت و دین به دنیا فروخت، و عاقبت دچار زمین گرفتگی

ص:۴۶

و عذاب الهی شد.

بنابر این، ایمان و عملصالح در معرض انواع خطرات و آفات است و بر مؤمن واجب و لازم است بنای دین و ساختمان عملصالح را با قدرت و تقوا و یاد خدا و توجه به قیامت وصبر و استقامت وتداوم طاعت و عبادت و کمک‌گیری از حضرت حق و توسل به پاکان حفظ نماید و سعی کند آنچه برای آخرت خود ذخیره نموده، از دستبرد شیاطین و غارت غارتگران محفوظ بماند.

روایت مهم زیر، که به وسیله امیر المؤمنین- علیه‌السلام- از قول رسول خدا نقل شده، به همین حقیقت توجه داده و حاجی و زائر بیت اللّه را نسبت به این معنا هشدار می‌دهد:

«انّه نظر الی قطار جمال للحجیج فقال: لا ترفع خفّاً الا کُتبت لهم حسنهٔ، و لا تضع خفاً الا محیت عنهم سیّئهٔ و اذا قضوا مناسکهم قیل لهم بنیتم بناءً فلا تهدموه، و کفیتم ما مضی فاحسنوا فیما تستقبلون.» «(۱)»

« «رسول الهی به قطاری از شتران که حاجیان را برای زیارت خانه خدا می‌برد، نظر فرمودند و گفتند: قدمی بر نمی‌دارند مگر این که برای آنان حسنه‌ای ثبت و گناهی محو می‌شود، چون از مناسک فارغ شدند و ادای مسؤولیت را به پایان بردند به آنان اعلام شود، بنایی را بنا کردید، آن را خراب نکنید، و آنچه بر شما گذشت شما را کفایت کرد، برای آینده خود به نیکی کردن و انجام عملصالح و طاعت و عبادت برخیزید.

۱- - بحار، ج ۹۶، ص ۵۰؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۹۴

ص:۴۷

حدیث:۱۳

زیارت کعبه معظّمه

کعبه، بنا به فرموده قرآن مجید، اولین خانه‌ای است که برای مردم بنا شده و هدایتگر عالمیان است.

طرح و نقشه کعبه، به اراده حق، توسط امین وحی به اولین سفیر خداوند ارائه شد و بنای آن برای عبادت و به عنوان جهت به سوی معبود یکتا برپا گشت.

کعبه پس از طوفان نوح، بوسیله پیامبر اولوالعزم خداوند، حضرت ابراهیم، و یاری فرزند با کرامتش حضرت اسماعیل بازسازی و از آن پس محل مناسک عظیم حج و جایگاه راز و نیاز و توبه و انابه و نماز و طاعت و طواف و زیارت و سرزمین وحی و کرامت و موضع نزول ملائکه رحمت و موقف انبیا و اولیا شد.

صفا و مروه، که از شعائر الهی است و حجرالاسود که جهتی است برای بیت مؤمنان با حق و مقام ابراهیم که محل عبادت خاص است و سرزمین پاک و با برکت عرفات که نقطه رسیدن عبد به مغفرت

ص:۴۸

و رحمت قطعی خداوند است و مشعرالحرام که جایگاه یاد خدا ومرکز استغفار و مناجات است و سرزمین عجیب منا که محل رمی جمرات و طرد شیاطین جنّی و انسی و جای قربانی به نشانه قربان کردن وجود خویش در حریم حضرت مولاست، همه و همه شعاع این خانه و وابسته به این بیت و از شؤون زیارت کعبه مشرّفه و حرم حضرت محبوب است.

ساکنی برای این بیت جز معنویت وصاحبی برای این خانه غیر از حضرتِ حیّ و قیوم نیست. خانه‌ای است که قبل از خلقت مخلوق مورد نظر بوده و پهنه زمین از محل این خانه به ظهور رسیده است.

این جایگاه با عظمت در ظاهر و باطن برای انسان دارای امنیت است و هر کس در این محل به هر نوعی به کسی ستم روا دارد، به عذاب الیم آخرت دچار خواهد شد.

کعبه بنا به فرموده امام ششم در هر روز محل طواف هفتاد هزار مَلَک خداوند است.

طواف هفتاد هزار فرشته در هر روز، نشانه عظمت بیت در نزد قدسیان و پرده نشینان حریم حرم حضرت مولاست.

بقعه‌ای در روی زمین محبوبتر از کعبه نزد خداوند نیست، جایگاهی با کرامت‌تر از آن در پیشگاه حضرت حق وجود ندارد.

برای زائر این بیت، ثوابها و حسناتی مقرر شده که برای زائرِ هیچ زیارتگاهی مقرر نگشته است!

اما این همه، تا زمانی است که پیشوا و امامِ زائر، در تمام برنامه‌های

ص:۴۹

زندگی، امام تعیین شده از جانب حق باشد و بویی از شرک در وجود زائر به مشام ملک و ملکوت نرسد.

امامصادق- علیه‌السلام- فرمود: «کسی که به زیارت کعبه بیاید و بر حق و حرمت ما، هم چون حق و حرمت کعبه عارف باشد، از مکه خارج نمی‌شود مگر این که گناهانش مورد غفران قرار گیرد، و خداوند مهمّ از امر دنیا و آخرتش را کفایت می‌کند.» «(۱)»

کعبه خانه خداوند است. محلّ نزول فرشتگان و مطاف عرشیان و قدّوسیان است. جایگاه نزول رحمت خاص حضرت معبود است.

موقف استجابت دعا است، مرکز عبادت و راز و نیاز و توبه و انابه و موضع برآورده شدن حاجت حاجتمندان و نیاز نیازمندان و شفای درد دردمندان و رفع مسکنت مستمندان و جای عبادت عاشقان و محلّ مستی عارفان و شور شوریدگان است.

آن که مأموم امامِ هدایت و قلبش منوّر به نور توحید، روش و راهش سنت پیامبر، کتابش قرآن، و بحق و حقیقت شیعه اهل بیت و شیفته امامان معصوم و عاشق حضرت معبود است، چون وارد مسجدالحرام شود و گوشه‌ای بنشیند و جز نظر دوختن به کعبه کاری نکند، نظرش به کعبه بعنوان عبادتِ حق قلمداد شود؛ عبادتی که حوزه جاذبه رحمت خاصّه الهی است. حال ببینید انجام سایر عبادات و مناسک که طبیعتاً همراه با نظر به کعبه انجام می‌گیرد، چه عبادت پر

۱- – محاسن برقی، ص ۶۹

ص:۵۰

بهره و چه برنامه با منفعتی است.

به حدیث زیر در این زمینه توجه نمایید:

عن ابی ذر عن النبی-صلی اللّٰه علیه و آله- قال: النظر الی علی بن أبی طالب- علیه‌السلام- عبادهٔ و النظر الی الوالدین برأفهٔ و رحمهٔ عبادهٔ و النظر فی الصحیفهٔ- یعنیصحیفهٔ القرآن- عبادهٔ و النظر الی الکعبهٔ عبادهٔ.» «(۱)»

ابوذر از رسول خدا روایت می‌کند: «دیده دوختن به علی بن ابیطالب، نگاه به پدر و مادر به مهر و رحمت، نظر برصفحه کتاب خدا و چشم انداختن به کعبه، عبادت است.»

چه حدیث عجیبی است که کعبه و قرآن و امام تعیین شده از جانب حق را در عرض هم آورده، که مناسک را از قرآن بگیرید، و توضیحش را از امام معصوم بخواهید، آنگاه به دلجویی پدر و مادر برخیزید، سپس به زیارت کعبه حرکت کنید تا به بهره‌های عظیم این زیارت دست یابید.

۱- - بحار، ج ۹۶، ص ۶۰؛ امالی طوسی، ج ۲، ص ۷۰

ص:۵۱

حدیث:۱۴

ختم قرآن در مکّه

ابتدای نزول قرآن مجید بر قلب عرشی رسول اسلام-صلی اللّه علیه و آله- در شهر مکّه، در کنار غار حرا بهصبح بیست و هفتم ماه رجب بود.

در آن صبح روشن، از هر طرف، هفتاد هزار فرشته به ریاست امین وحی، عبدصالح الهی را در آغوش لطف و رأفت گرفتند و آیات شریف سوره علق را بر حضرت قرائت کردند:

«بخوان بنام پروردگارت، آن وجود مقدسی که مالك و مربّی است و به اراده حکیمانه‌اش تمام موجودات را بدون این که به آنان نیاز داشته باشد آفرید.

آن خدایی که انسان را از علق بوجود آورد، بخوان و آن مربّی ومالکی را که گرامی‌تر و بزرگوارتر از همه کریمان است. وجود مبارکی که انسان را دانش نوشتن بهمراه قلم آموخت و به انسان آنچه را نمی‌دانست تعلیم فرمود.»

ص:۵۲

قرآن برای هدایت بشر از ضلالت و گمراهی آمد و برای نشان دادنصراط مستقیم حق، بر قلب سفیر حق نازل شد.

قرآن برای رشد اندیشه و ایجاد تفکّرصحیح و تجلی دادن ایمان به خداوند و روز قیامت در قلب و تعلیم دادن راه عملصالح و آراستن انسان به اخلاق حسنه نازل گشت.

قرآن برای ساختن دنیایی آباد و آخرتی با بنیاد و ایجاد حیات طیبه و عیش راضیه و فضایی پاك در زندگی بشر بر سینه رسول مطهّر تجلی کرد.

آنچه مربوط به گذشته عالم و آینده جهان و نیز داروهای شفابخش بیماریهای معنوی و قواعد نظم دهنده به حیات انسانی است، در قرآن مجید یافت می‌شود.

کتاب خدا وعظ و موعظه الهی به انسان و شفابخش سینه‌های دردمند و هدایتگر بشر و رساننده بنی آدم به رحمت واسعه الهی است.

پیوند با قرآن، پیوند با حق، پیوند با انبیا، پیوند با اولیا، پیوند با ولایت و پیوند با قیامت است.

قرائت قرآن قلب را جلا می‌بخشد، سینه راصفا می‌دهد، بار تحمیلات شیطانی را سبك می‌نماید، راه را به انسان نشان می‌دهد. نفس را به عرصه گاه سلامت می‌برد. مشکلات را آسان می کند. خانه را مورد توجه ملکوت و پرده‌نشینان حرم قدس می‌نماید و از انسان موجودی مستقیم، سالم، مؤمن، همراه با رأفت و رحمت می‌سازد.

قرآن ذکر است و هر کس از این ذکر روی برتابد، شیطان قرین

ص:۵۳

و همنشین او گردد و چون این روی گردانی ادامه یابد، چیرگی شیطان بر غافل از ذکر، حتمی شود و در نهایت رخ برتافته از کتاب الهی جزء حزب شیطان گردد!

برای قرآن مجید سه نوع قرائت هست که قاری قرآن با تحقق این سه نوع در طول یکدیگر اهل قرآن می‌شود و گرنه به قول رسول حق:

«چه بسا قاریانی که قرآن می‌خوانند و قرآن مجید آنها را لعنت می کند.» و این سه نوع عبارتند از:

۱- قرائت قولی ۲- قرائت حالی ۳- قرائت فعلی

قرائت قولی؛

خواندن آیات قرآن مجید با زبان است.

قرائت حالی؛

رعایت توجه قلبی به قرآن و اخلاص و خلوص و از همه مهمتر تصدیق قطعی و یقینی تمام مفاهیم کتاب الهی است، بطوری که هیچ شک و تردیدی در کنار آن تصدیق و یقین راه پیدا نکند.

و قرائت فعلی؛

به این است که چشم و گوش و زبان و دست و شکم و شهوت و قدم در تمام شؤون زندگی، هماهنگ با قرآن عمل کنند.

قاری اگر این سه نوع قرائت را تحقق دهد اهل قرآن و بنده مخصوص خداوند است، ورنه قرائتش قرائتی بی‌فایده و خواندنش خواندنی بی‌ثمر است.

قرائت قاری باید فریادی علیه ستمگران،صیحه‌ای علیه شیاطین، اسلحه‌ای علیه هوای نفس، نوری در حیات، اخلاقی در نفس، اخلاصی در باطن، عملی در ظاهر، حرکتی در سبیل و راه وصراط حق، تفکری در آیات الهی و زمینه‌ای برای خودسازی و رشد و تکامل باشد.

ص:۵۴

زائر بیت اللَّه از جانب رسول حق و ائمه طاهرین- علیهم‌السلام- دعوت شده که در سفر حج گرچه برای یک بار در مکه و اگر بتواند در مسجدالحرام از ابتدا تا انتهای قرآن کریم را قرائت کند و به تعبیر روایات یک ختم قرآن بجای آورد.

اگر زائر بیت حق، به صورتی که در سطور گذشته، آمد یک ختم قرآن کند به بهره‌های شگفت‌انگیزی دست یابد که به قسمتی از آن بهره‌ها و منافع، در حدیث زیر اشاره شده:

عن ابی جعفر- علیه‌السلام- قال: «من ختم القرآن بمکهٔ لم یمت حتی یری رسول اللَّه-صلی اللَّه علیه و آله- و یری منزله من الجنهٔ.» «(۱)»

حضرت باقرالعلوم- ع- فرمود: «کسی که در مکه به ختم قرآن موفق شود نمیرد مگر این که رسول خدا-صلی اللَّه علیه و آله- را زیارت کند و جایگاهش را در بهشت ببیند.»

۱- - بحار، ج ۹۶، ص ۸۲

ص:۵۵

حدیث:۱۵

دو عبادت برتر

از نعمت‌های بزرگ حضرت حق به انسان زبان است.

زبان واسطه بین باطن و ظاهر آدمی است؛ به این معنا که تمام انسانها مکنون ضمیر خود را بوسیله زبان اظهار می‌کنند و خواسته‌های باطن را با زبان بیان می‌نمایند. زبان شهادت دهنده به توحید و رسالت و امامت است.

زبان شهادت دهنده در دادگاه عدل به نفعصاحب حق است.

نماز و قرآن و دعا و مناجات و راز و نیاز به وقت سحر با زبان انجام می‌گیرد.

امر به معروف، نهی از منکر، هدایت گمراه، ارشاد از حق دور شده، اصلاح ذات البین، اعلام محبت و رحمت بدیگران، همه و همه کار زبان است.

قول حق، قولصدق، قول عدل، قول حسن، قول بر حسن، قول کریم، قول لین، قول ایمان، قول سدید، قول معروف و قول بلیغ، از

ص:۵۶

محسنات زبان و از آثار این نعمت بزرگ الهی است.

شکر قولی و حمد زبانی در کنار هر نعمت کار زبان، و عمل این عضو عرصه گاه حیات فوق‌العاده مهم است.

نشر علم، بیان حق، ذکر محبوب، اثبات حقیقت، ردّ باطل، انتقاد سازنده، از شؤون زبان است.

غیبت، که بقول قرآن در سوره حجرات بمانند خوردن گوشت میّت است، آنهم میّتی که برادر ایمانی انسان است و بقول حضرت سید الشهدا- علیه‌السلام- غذای سگان جهنم است، از زشتی‌ها و اعمال ناروای زبان می‌باشد.

تهمت، فحش، بدگویی، مسخره کردن، شایعه انداختن، تحقیر کردن مردم، تکذیب حق، تصدیق باطل، بیهوده گویی، یاوه‌بافی، گمراه کردن مردم مؤمن، همه و همه کار زبان است.

بحقیقت باید گفت: زبان دری از درهای بهشت، یا بابی از ابواب عذاب ابد و جهنم سوزان است.

با زبان می‌توان خشنودی حضرت حق، یا سخط و غضب آن وجود مقدس را خرید.

زائر بیت اللّه از ابتدای سفر، باید به پرهیز از هر نوع سخن باطل اقدام و خود را به گفتار حق عادت دهد، و در این مسیر الهی آنچنان بکوشد که چون به وطن برگشت غیر حق نگوید، و غیر حق نجوید.

در بحارالانوار، ج ۷۱،ص ۲۹۶ از رسول اسلام نقل شده: «زبان را جز به سخن خیر بکار نگیر.»

ص:۵۷

در روایات بسیاری آمده که «صَمْت» را همه جا و همیشه رعایت کنید.

صمت؛ چنانکه در آثار اسلامی آمده، به معنای سکوت زبان از سخنان باطل و یاوه و خودداری از تمام گناهان مربوط به زبان است.

صمت از نظر رسول بزرگوار اسلام از چنان ارزشی برخوردار است که به نقل فیض کاشانی در محجةالبیضاء، ج ۵،ص ۱۹۴ از قول حضرت آمده:

«من کان یؤمن باللّه و الیوم الآخر فلیقل خیراً أو لیصمت.»

«آن که ایمان به خدا و قیامت دارد، باید خیر بگوید یا سکوت کند.»

آری سکوت از سخنان ناروا، بدون شک باب نجات، روشنی بخش جان، حیات قلب، نشاط باطن، و نور دل است.

از بهترین مواقع تمرین برای تحققصمت سفر حج است، چه نیکوست که زائر بیت وقتی سوار بر مرکب است، زبان به ذکر حق مشغول کند و چون در مسافرخانه همراه با همسفران است، حق گویی کند و چون به زیارت بیت یا زیارت رسول حق یا ائمه بقیع می‌رود، مشغول زیارت و دعا و حمد و ثنای حق، و بخصوص راز و نیاز با معبود باشد.

در حقیقت در این سفر می‌توان دو عبادت برتر به ثبت پرونده خود رساند: حرکت برای زیارت بیت وصمت، در این زمینه به روایت بسیار مهمی که از اهل بیت رسول مکرم حق رسیده توجه کنید:

عن ابی عبد اللَّه- علیه‌السلام- قال: «ما عبد اللَّه بشیء أفضل من

ص:۵۸

الصمت و المشی الی بیته.» «(۱)»

از امامصادق- علیه‌السلام- روایت شده که آن حضرت فرمود:

«خداوند به چیزی بهتر و برتر از سکوت و رفتن به سوی کعبه، عبادت نشده است!»

۱- - خصال، ج ۱، ص ۲۱؛ بحار، ج ۹۶، ص ۱۰۳

ص:۵۹

حدیث:۱۶

دو نعمت بزرگ

مال و سلامت بدن، ثروت وصحّت جسم دو نعمت بزرگ حق و دو عنایت خاص الهی به انسان است.

مال و ثروت اگر از طریق حق بدست آید، و در طریق حق خرج شود، راهی برای رسیدن به فیوضات الهی و عنایات ربّانی می‌گردد.

دنبال مال حلال رفتن عبادت است. زحمت کشیدن برای به چنگ آوردن ثروت پاک، بندگی خداست.

مصرف نمودن مال برای خود و زن و بچه، دستور حق و اطاعت از این دستور حرکت در مسیر حق است.

خرج کردن مال در راه رفع نیازِ نیازمندان و دردِ دردمندان و حاجت مستمندان عین عبادت است.

مال کلید در بهشت و جایگاه رضایت حق و باعث ثواب عظیم اخروی است.

اگر کسی تقوای الهی را در جنب مال رعایت کند، از آلوده شدن به

ص:۶۰

حرص، طمع، آز، بخل، خیانت، غل و غش در امان می‌ماند. و مال و ثروت او وسیله پروازش به سوی کمال، و عامل رسیدنش به رضای حق می گردد.

صاحبان عقل و درایت در مدت عمر خود هدف و مقصدی جز لقای حضرت محبوب و رسیدن به خانه آخرت، برای بهره‌وری از نعمت‌های بی‌پایان الهی نداشتند و می‌دانستند این مقصود جز با معرفت و عمل قابل تحصیل نیست و مواظبت بر تحصیل معرفت و تداوم عمل راهی جز سلامت وصحت بدن ندارد و سلامت بدن بستگی به آب و نان و پوشاك و مسکن دارد، روی این حساب باید بدنبال مال و ثروت رفتن، و مال و ثروت جز از طریق زحمت و کسب مشروع بدست نمی‌آید، بنابر این کسب مشروع لازم و بیکاری و سربار دیگران بودن حرام است.

به این خاطر تجارت و کسب برای آنچنان مقصد بزرگی که عبارت از لقاء حق است، عین عبادت و محض بندگی است و برای تأمین آن منظور مقدس، رعایت تقوا در بدست آوردن مال از واجبات الهی و از احکام ربانی است.

چون مال بدست آمد، در حقیقت نعمت خدا بدست آمده، این نعمت باید در جایی مصرف شود کهصاحب نعمت به آن دستور داده؛ از جمله مراحل مصرف خوردن و آشامیدن برای تأمین سلامت بدن وصحت جسم و خوراندن بدیگران است.

چونصحت و سلامت بدن بدست آمد، و ثروت و مال در اختیار

ص:۶۱

مانـد، مسأله اسـتطاعت و قوّت و قـدرت برای عبادت خـدا بوسـیله زیارت بیت و حجّ خانه بدست می‌آید و زمینه اجرای این فریضـه بزرگ الهی فراهم می‌شود. در این وقت است کهصاحب ثروت و سـلامت و دارنـده مال وصـحّت بایـد بـدون درنگ خود را آماده سفر حج کند و جزئی از اجزاء عامل لقاء حق را که انجام مناسک حج است تحقق دهد.

روایت زیر نشان دهنده واقعیاتی است که در سطور گذشته ملاحظه کردید:

عن ابی عبد اللّه– علیه‌السلام– فی قول اللّه– عزّ وجلّ–: «و للّه‌علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلًا» قال: هذا لِمَن کان عنده مال و لهصحهٔ.» «(۱)»

امـام صـادق– علیه‌السـلام– در توضیـح آیه‌ای که اسـتطاعت برای حـج را مطرح کرده، فرمود: «اسـتطاعت برای کسـی حاصل اسـت کهصاحب مال باشد و دارای سلامت بدن.»

۱– – بحار، ج ۹۶، ص ۱۰۸

ص:۶۲

حدیث:۱۷

نیابت در حج

ادای واجبات الهی، و فرائض ربّانی؛ چنانکه از آیات و روایات استفاده می‌شود، راه حتمی و قطعی به سوی بهشت ابدی است.

علی- علیه‌السلام- در یکی از خطبه‌های نهج البلاغه می‌فرماید:

«بر شما باد به فرائض، بر شما باد به فرائض، آنها را ادا کنید تا خداوند شما را به بهشت برساند.»

راه نجات از سخط حق و عذاب قیامت، بندگی و طاعت است.

طاعتِ حق، زمینه‌سازِ آزادی انسان از اسارت هوا و هوس و دور شدن انسان از شیطنت و شیطان است.

قرآن مجید انبیا و اولیا را به بندگی و طاعت حق ستوده و از آنان به عنوان عبادصالح خداوند یاد نموده است.

چون برق بندگی و حرارت طاعت، بر عرصه‌گاه وجود انسان جرقّه زند و گرمی بدهد، عشق به معبود در شبستان قلب جلوه بیشتر کند و مایه‌های فساد و افساد از خیمه حیات انسان رخت بربندد.

ص:۶۳

عبادت و طاعت، مایه‌ساز رحمت و رأفت در دل، و تقویت کننـده جان، عامل تزکیه نفس، علاج دردهای درون، مورث پاکی برون و نزدیک کننده انسان به مقام قرب و لقای حضرت محبوب است.

آرامش و امنیت بـاطن، از عبـادت است. سـلامت و عـافیت وجود، از بنـدگی است. قوام خـانه و خانواده، محصول طاعت خـداست. پاکی و پاکیزگی جامعه در اخلاق و اعمال، میوه شیرین اجرای اوامر حضرت حق است.

عبادت و طاعت شـیرینی حیات، عامل دفع دشـمن، باعث تقویت بنیه فرد و اجتماع، روشـنی حیات، چراغ راه، فروغ جان، و به حق و حقیقت قسم، بهترین لذت و کامجویی برای اهل حال است.

از مصـادیق بـارز عبـادت و از شاخه‌هـای پرثمر شـجره طیبـه طـاعت، ادای مناسـک حـج و زیـارت بیـت اللّه و عبـادت عاشـقانه در مسجدالحرام و رفت و آمد درصفا و مروه و راز و نیاز با حق درصحرای عرفات و سجده جانانه در مشعرالحرام، و قربان کردن وجود در منای عشق دوست و طرد شیاطین جنّی و انسی در رمی جمرات است.

آن را که اسـتطاعت مالی و بـدنی حاصل است، بایـد بار سـفر جهت انجام این عبادت عظیم و طاعت کریم بر بنـدد و بـدون دغدغه خاطر و با توکّل به حق، پشت پا به ماسوا زده، به سوی معبود خود و معشوق قلب، و محبوب دل بشتابد.

آن را که استطاعت مالی عنایت شده، ولی محروم از استطاعت بدنی است و شوق لقای بیت و عبادت در خانه حق، او را همچون

ص:۶۴

پروانه در شعله شمع می‌سوزاند، نباید غصه و غم محاصره‌اش کند و دل بخاطر محروم بودن از این سفر الهی در دریای اندوه غرقه سازد؛ زیرا خداوند مهربان برای برداشته شدن این تکلیف از دوش جانش و بهره‌مند شدن از این فیض بی‌نظیر، راه دیگری برایش معین فرموده و آن نایب گرفتن از جانب خود برای انجام مناسک ابراهیمی است.

البته باید در انتخاب نایب دقت بخرج داد و شخصی را برای انجام این عبادت بزرگ مأموریت داد که تا حدی از عهده شرایط ظاهری و باطنی حج برآید.

چون به مؤمن پیشنهاد نیابت از حج داده شد، از باب قضای حاجت برادر مؤمن باید پذیرفت که قبول حاجت مؤمن و قضای نیاز برادر دینی و حل مشکل بنده حق، از اعظم عبادات و وسیله قرب به خداوند است.

نایب باید بداند که نیابت از حجّ، برای او بهره عظیم و ثواب فوق العاده دارد و نیابت دهنده باید بداند که با تحمّل مخارج سفر، نایب علاوه بر ادای تکلیف، دارای نصیب سنگین آخرتی است.

نیابت دهنده بخاطر نایب گرفتن و پذیرنده نیابت بخاطر تحمل رنج نیابت، اهل نجات و مورد عنایت و رحمت حضرت حقند.

روایت بسیار مهمی در مسأله ثواب نایب و آن که از جانب برادر مؤمنش به حج می‌رود وارد شده که در سطور زیر ملاحظه می‌کنید.

قال الصادق- علیه‌السلام- فی الرجل یحج عن آخر: «له أجر و ثواب عشر حجج و یغفر له و لأبیه و لإبنه و لإبنته و لأخیه و لعمّته و لخاله و

ص:۶۵

لخالته، انّ اللَّه واسع کریم.» «(۱)»

حضرت صادق- علیه‌السلام- در رابطه با مردی که از جانب دیگری حج بجا می‌آورد فرمود:

«برای او اجر الهی و ثواب ده حج است و خداونـد پدر و پسر و دختر و برادر و عمه و خاله و دایی او را مورد مغفرت قرار می‌دهد، بحق که خداوند دارای رحمت واسعه و کرم بی‌نهایت است.»

۱- - بحار، ج ۹۶، ص ۱۱۷

ص:۶۶

حدیث:۱۸

فقط با مال حلال فریضه حج را ادا کنید

قرآن مجید و روایات، دستور اکید به کسب حلال و کار مشروع دارند. طلب مال حلال چنان که در آثار اسلامی آمده بر هر مسلمانی فریضه و واجب است.

کسب حلال و کار مشروع، نوعی عبادت و طاعت بلکه از بهترین و برترین رشته‌های عبادت است.

قرآن مجید دستور می‌دهد، ابتدا مال حلال و طیب تناول کنید، سپس به انجام عبادت و عملصالح برخیزید. پروردگار عالم، معاش را وسیله آبادی معاد و کسب دنیا را زمینه بدست آوردن آخرت قرار داده، بهمین جهت آنان که دنبال مال حرام می‌روند آخرتی خراب، و معادی آمیخته با عذاب ابد دارند.

اسلام می گوید دنیای خود را کمک آخرت قرار دهید و کمک بودن دنیای انسان برای آخرت، درصورتی است که دنیای آدمی حلال و طیب و پاک و پاکیزه باشد.

ص:۶۷

جمله عرشی و ملکوتیِ «دنیا مزرعه آخرت است» از رسول الهی، معروف و مشهور می‌باشد. آری آخرتِ آباد، ثمره دنیای حلال و معادِ پاک میوه مال حلال و عملصالح و اخلاق حسنه است.

مال حلال- به تعبیر قرآن مجید- فضل خدا، رزق طیب، رزق حلال، نعمت الهی و خیر خداوندی است.

تاجرِصادق و کاسب مواظب و عاملِ متدین، بنابر روایات، در روز قیامت باصدیقین و شهدا محشور می گردد.

در آثار اسلامی آمده: آن که بدنبال حلال برود، بخاطر این که باری بر دوش مردم نباشد و بر اهل و عیال خود توسعه دهد و بر همسایگانش بوسیله آن مال مهر و رأفت ورزد، در قیامت به لقای حق رسد، بصورتی که چهره‌اش مانند ماه شب چهارده باشد!

بازارهایی که در آن کسب حلالصورت می گیرد، به تعبیر رسول اسلام سفره‌های خداوند مهربان است، هر کس در آن بازارها به کسب و کار مشغول شود، از آن سفره پاک بهره‌مند می‌شود.

کاسب و تاجری که دنبال مال حلال می‌دود به فرموده حضرتصادق- علیه‌السلام- همانند رزمنده در راه خداست.

برای بدست آوردن مال حلال، بدون تردید معرفت به فقه ومسائل حلال و حرام لازم است، به همین خاطر، اهل ایمان قبل از دست یازیدن به کسب، از محضر علمای ربّانی استفاده می کردند و با مسائل تجارت و حلال و حرام الهی آشنا می‌شدند.

اصبغ بن نباته می گوید: شنیدم امیرالمؤمنین- علیه‌السلام- بالای

ص:۶۸

منبر می‌فرمود:

«ای گروه تجار، ابتدا فقیه در مسائل کسب شوید، سپس به تجارت اقدام کنید، ای مردم اول فقه سپس تجارت. بخدا قسم ربا در این امت مخفی‌تر از خزیـدن مورچه بر سـنگصاف است. اموال خود را باصـدقه حفظ کنیـد، تاجر فاجر است و فاجر در جهنم است مگر آن که مال حق بگیرد و مال حق بدهد.»

خداونـد مهربـان در رحم مـادر و در ایام شـیر خوارگی روزی دهنـده انسان بود، به ایامی که آدمی همراه با اهل و عیال نیاز بیشتری دارد، قطعاً حضـرت حق عنـایت و توجه فوق العاده‌تری متوجه انسان می‌نمایـد، بهمین جهت در روزگار بزرگی و زن و بچه‌داری با روزی حلال و رزق طیب از طریق کسب مشـروع انسان را در چتر حمایت خود قرار داده، بـدون شک عاقلانه نیست روزی‌خور حق از سایه عنایت و لطف او بیرون رود، و برای اندک مال دنیا که باید بگذارد و برود دست در دست شیاطین گذارد و زندگی خود و زن و بچه و گوشت و پوست و روح خود و اهل و عیالش را به مال حرام آلوده نماید، و از این طریق خود را مسـتحق عذاب ابد حق کند!

با مال حلال بـدن را قوت دهیـد. قلب را نورانی کنید. روح را تصـفیه نمایید. نفس را به عرصه‌گاه تزکیه و تربیت ببرید. زن و فرزند را از آلوده شدن حفظ کنید. زمینه عبادت با نشاط را فراهم آورید. خشنودی و رضای حق را جذب نمایید. از افتادن در دایره ظلم و ستم به مردم، از طریق غارت حق آنان، بپرهیزید. شهوات خود را با کسب حلال مهار

ص:۶۹

کنید.صولت و سطوت شیطان‌های درونی و برونی را بشکنید. به قافله پاکان وصالحان وصدیقان و شهیدان بپیوندید. آبروی دنیا و آخرت خود را حفظ کنید. به جلب خشنودی انبیا و امامان برخیزید، که با مال حرام، مالی که از کم فروشی، رشوه، غصب، ربا، دزدی، حیله، تقلّب، ظلم، زور و دروغ، بدست آمده نه عبادتیصحیح و قبول است و نه کار خیری مورد پذیرش حق است.

در مسأله حج، که قسمتی از مال انسان باید خرج شود، دقّت بیشتری به خرج دهید زیرا ورود مال حرام به قسمتی از برنامه‌های حج موجب بطلان حج و علّت محروم شدن از رحمت حق و باعث لعنت خدا و ملائکه بر حاجی است.

در وطن خود سعی کنید تمام مال خود را اگر مخلوط به حرام است با راهنمایی عالمی ربّانی پاک کنید و به حلال کردن قسمتی از مال برای خرج سفر بسنده نکنید که این عمل پسندیده نیست.

اگر تمام مال حرام باشد، باید بهصاحبانش برگردد، در اینصورت زمینه‌ای برای استطاعت باقی نمی‌ماند.

قبل از سفر حج اگر قدرت دارید به اقوام فقیر برسید. خمس مال را که واجب الهی و دستور قرآنی است بپردازید. ازصدقه و انفاق کوتاهی نکنید و اگر از این مسائل عرشی در مکه و مدینه آگاه شدید، بدون مضایقه با عالم کاروان تماس گرفته و با جدیت به پاک شدن کلّ مال خود اقدام کنید تا مبادا خدای ناکرده به مناسک شما لطمه وارد آید و از فیوضات الهی و عنایات ربانی محروم شوید و از سفر حج جز

ص:۷۰

حمّالی و زحمت و رنج و مشقت و لعنت حق چیزی بجای نماند.

عن الباقر- علیه‌السلام- قال: «من اصاب مالًا من أربع لم یقبل منه فی أربع: مَنْ أصاب مالًا من غلول أو رباً أو خیانهٔ أو سرقهٔ، لم یقبل منه فیژ زکاهٔ و لا فیصدقهٔ و لا فی حج و لا فی عمرهٔ و قال ابو جعفر لا یقبل اللَّه عزوجل حجاً و لا عمرهٔ من مال حرام.» «(۱)»

حضرت باقر- علیه‌السلام- فرمود: آن که از چهار طریق مال و ثروت به دست آورد، چهار عمل از او پذیرفته نخواهد شد.

آن که از طریق غش در معامله و ربا و خیانت و سرقت کسب مال کند، زکات وصدقه و حج و عمره او در پیشگاه حق قبول نمی‌شود و نیز فرمود: خداوند حج و عمره‌ای که مخارجش از مال حرام تأمین شده نمی‌پذیرد.»

۱- - امالی صدوق، ص ۴۴۲

ص:۷۱

حدیث:۱۹

اخلاق زائر

اگر ایمـان را به منزله یـک ساختمـان فرض کنیم، بایـد بگوییم این ساختمان از سه عنصـر برپا شـده، ۱- اعتقـاد به حق و قیـامت ۲- عملصالح ۳- اخلاق حسنه.

نقش اخلاـق که مجموعه‌ای از حالاـت مثبت و واقعیـات نفسـی و بـاطنی پر منفعت است، در حفظ ایمان و عمل، نقشـی بسـیار مهم دارد.

ایمـان و عمـل بـا نیروی حیـا، وقـار، کرامت، شـرافت، بردبـاری، حلم، جود، سـخاوت، تواضع، خشوع، خشـیت، خوف از حق،صبر، استقامت، تغافل، گذشت،صفا، مروت، وفا، تعهد، امین بودن، درستی، پاکدامنی، عفت، عصمت و شخصیت قابل حفظ و قابل تداوم تا لحظه آخر حیات است. اگر انسان آراسته به حقایق اخلاقی نباشد، برای بقا و دوام ایمان و عمل، بدون تردید جای نگرانی هست. بودند کسانی که از ایمان و عمل بطور حقیقت برخوردار بودند ولی در مسیر زندگی بخاطر آلوده بودن به کبر یا حسد، یا بخل و یا نداشتنصبر و استقامت،

ص:۷۲

ایمان و عمل را از دست دادند، و خود را به عذاب ابدی دچار ساختند.

حوادثصدر اسلام، بخصوص پس از وفات پیامبر اسلام، نشانگر این حقیقت است که بسیاری از مسلمانان و مؤمنان بخاطر آراسته نبودن به حقایق اخلاقی در بستر هلاکت افتادند.

اگر بگوییم اخلاق حسنه، ضامنی معتبر، وثیقه‌ای محکم و دستگیره‌ای سخت برای دور ماندن ایمان و عمل از خطرات سهمگین و حوادث سنگین است سخنی بگزاف نگفته‌ایم.

مسأله اخلاق حسنه و نقش آن در رشد و تکامل و حفظ ایمان و عمل از خطر و خسارت به اندازه‌ای فوق العاده و قابل توجه است که بخشی عمده و بسیار مهم آیات و قرآن و روایات به آن اختصاص داده شده است.

خداوند مهربان پیامبر بزرگوار خود را در قرآن مجید به داشتن خلق عظیم ستوده است و این ستایش نشانگر اهمیت و ارزش اخلاق حسنه در حیات انسان است.

از رسول حق سؤال شد، بهترین سرمایه‌ای که از جانب حق به انسان عنایت شده چیست؟ فرمود: اخلاق نیکو.

توجه داشته باشیم که اخلاق نیکو مجموعه‌ای از اوصاف پاک و خصال حمیده و حالات عرشی و ملکوتی و برنامه‌های پر ارزش است که به تعدادی از آنها در سطور گذشته بعنوان حافظ ایمان و عمل اشاره شد.

رسول حق می‌فرمود: «آنچه بیشتر باعث ورود مردم به بهشت می‌شود،

ص:۷۳

تقوا و اخلاق حسنه است.»

رسول حق، علّت برانگیخته شدن خود به پیامبری را اتمام مکارم اخلاق اعلام می‌فرمود.

رسول حق می‌فرمود: «سنگین‌ترین چیزی که در قیامت در نامه اعمال مردم به سنجش گذاشته می‌شود، اخلاق حسنه است.»

همچنین می‌فرمود: «صاحبان اخلاق حسنه طعمه آتش جهنم نمی‌شوند.»

در مورد دیگر فرمود: «نزدیک‌ترین شما در قیامت به من،صاحبان اخلاق پسندیده‌اند.»

حضرت باقر- علیه‌السلام- نیز فرمود: «کامل‌ترین شما از نظر ایمان، نیکو خُلق‌ترین شماست.»

امام ششم- علیه‌السلام- چهار چیز را کمال ایمان و باعث مغفرت گناه شمرده‌اند: «صدق، ادای امانت، حیا و خوش اخلاقی.»

در این زمینه، به اندازه‌ای روایت وارد شده که انسان از دیدن آنهمه اثر، شگفت‌زده می‌شود. بیشتر روایات باب اخلاق، در جلد دوّم کتاب شریف اصول کافی، جلد یازدهم وسائل الشیعه، جلد سوّم محجهٔ‌البیضاء و از ابتدا تا انتهای کتاب بسیار مهم جامع السعادات نراقی به ثبت رسیده است. دنبال کنندگان حقیقت می‌توانند به آن منابع بسیار مهم رجوع کنند.

از مسائل بسیار مهمی که در سفر حج، از طریق پیامبر و امامان معصوم سخت به آن توجه شده، مسأله اخلاق زائرِ خانه حق است.

ص:۷۴

توجه اولیای دین به این مسأله به اندازه‌ای است که گاهی در روایات به زائر هشدار داده شده اگر فاقد اخلاق حسنه باشد و با همسفران خود معامله‌ای غیر از اخلاق حمیده وصفات پسندیده داشته باشد، خداوند مهربان، با همه عنایتی که به حاجی دارد به او توجه نخواهد کرد.

این سفر با برکت، جهت ریاضت و تمرین برای آراسته شدن به حسنات و دوری از سیئات است. سفر بسیار مهم و کلاس بسیار با ارزشی است که زائر بیت باید آن را با جان و دل غنیمت بشمارد.

وای بحال آن زائری که از وطن آلوده به سیئات اخلاقی به حج برود و بدون معالجه خویش از بدیها و آراسته شدن به حسنات به وطن بازگردد.

روایت بسیار مهمی در رابطه با اخلاق در سفر حج از حضرت باقر- علیه‌السلام- در معتبرترین کتابهای حدیث نقل شده که می‌آوریم:

عن ابی جعفر- علیه‌السلام- قال: «ما یعبؤ بمن یؤم هذا البیت اذا لم یکن فیه ثلاث خصال: ورع یحجزه عن معاصی اللّٰه، و حلم یملک به غضبه و حسن الصحابهٔ لمنصحبه.» «(۱)»

امام باقر- علیه‌السلام- فرمود: «اعتنا نمی‌شود به کسی که قصد خانه حق کرده، در حالی که در او سه خصلت نیست: ورعی که او را از معاصی و گناهان بازدارد، حلمی که او را بر غضبش چیره سازد و رفتار خوش با کسانی که همسفر اویند.»

۱- - بحار، ج ۹۶، ص ۱۲۱

ص:۷۵

حدیث:۲۰

آداب معنوی حج

در زمینه آداب معنوی حج و اسرار باطنی مناسک عظیم این سفر، روایاتی بس مهم و احادیثی فوق العاده جالب از منابع وحی رسیده که توجه به مضامین آن جملات عرشی و ملکوتی، بر زائران خانه حق جدّاً واجب و لازم است تا این سفر را همراه با حالی الهی و باطنیصاف و خالص انجام دهند.

البته بخاطر این که اغلب زائران آشنایی به مفاهیم روایات ندارند، بر روحانی کاروان فرض اخلاقی است که این حقایق را در طی سخنرانی‌های خود به مهمانان خانه حق تعلیم دهد.

از جمله آن روایات، روایت مفصّلی است که از وجود مبارک حضرتصادق- علیه‌السلام- نقل شده که بخاطر مفصل بودن آن تنها به ترجمه آن قناعت کرده، توضیح و تفسیرش را جهت زائران خانه محبوب به عهده عالمان عامل می گذاریم.

حضرت صادق- علیه‌السلام- می‌فرمایند:

ص:۷۶

«زمانی که قصد بیت حق کردی، قبل از قدم گذاشتن در مسیر سفر، دل را از هر عامل مشغول کننده از دوست و از هر مانعی که باعث محرومیت تو از فیوضات الهی است جدا کن و این گوهر خزانه رحمت را از گرد و غبار مشغولیت‌ها و حجابها پاک گردان و تمام امورت را به خالق و آفریننده خود واگذار و در تمام حرکات و سکنات خود بر حضرت محبوب تکیه کن، که در تمامصحنه هستی تکیه گاه قابل اعتمادی جز وجود مقدس او نیست.

در برابر قضا و حکم و قدر اوصد درصد تسلیم باش و در این زمینه از اضطراب و هراس و دو دلی پرهیز کن که تسلیم بودن به قضا وقدر و حکم حضرت دوست از اخلاق انبیا و اولیای الهی است.

با دنیا و راحت و استراحت آن و مردم وداع کن. از هر حقّی که از دیگران بر عهده داری پاک شو. بر زاد و توشه و یاران و اصحاب و قدرت و قوت و جوانی و ثروت خود اعتماد مکن، بترس از این که این همه، درصف دشمنانت قرار گیرند و برای تو بصورت وزر و وبال درآیند. آری کسی که ادعای رضای دوست کند و بر غیر او تکیه نماید، غیر او دشمن و وبال او گردند. این واقعیت است که ثابت شده تا بدانی قوّت و حیله‌ای جز حفظ و توفیق خدا نیست.

آماده شو، آمادگی کسی که امیدی به بازگشت از این مسافرت ندارد.

همنشینی با یاران سفر را به بهترینصورت تدارک کن و اوقات واجبات حق و روشهای رسول خدا را در تمام امور رعایت نما.

آنچه از ادب، تحمل مشکلات،صبر و شکر، مهربانی به دیگران، دست و دل بازی در خرج و ایثار زاد باید رعایت کنی رعایت کن.

ص:۷۷

با آب توبه خالص از گناهانت غسل کن و ظاهر و باطن را شستشو بده، لباس‌صدق وصفا و خضوع و خشوع در بر کن و از آنچه تو را از یاد خدا باز می‌دارد، و از طاعت حضرت دوست به بدبختی حجاب و ممانعت می‌آورد مُحرم شو.

بعنوان پاسخصاف و خالص و پاکیزه به حضرت حق که تو را به حج دعوت فرموده، در حالی که به عروهٔ الوثقای او چنگ زده‌ای لبیک بگو.

با قلبت، همراه با ملائکه، به طواف عرش درآی چنانکه با وجودت، همراه با مسلمین، به طواف خانه درآمده‌ای.

در بینصفا و مروه برای فرار از هوای نفس و بیزاری از هر حول و قوّه‌ای که برای خود فرض کرده‌ای، هروله کن.

در حال خروج از مکه برای ورود به منا از غفلت و لغرش، برای همیشه خارج شو و جز چیزی که برایت حلال است و غیر آن را مستحق نیستی آرزو مکن.

در عرفات که در پیشگاه حضرت مولایی، به تمام گناهان و خطاهایت اعتراف کن و عهدت را نسبت به توحید وجود مبارک او، در سرزمین عرفات، تجدید کن.

در مشعر الحرام به حضرت تقرّب جوی و در مدار تقوا و پرهیزکاری درآی و بوقت بالا رفتن از کوه رحمت، سفری روحی و معنوی به ملأ اعلی و ملکوت قدس بنما.

به وقت ذبح قربانی، گلوی هوا و هوس و طمع و آز را با چاقوی عبادت و بندگی قطع کن.

ص:۷۸

بهنگام رمی جمرات، شهوات و کم مایگی و پستی و کارهای مذموم را از خود بران.

با حلق رأس، عیوب ظاهر و باطن را از سرزمین وجودت قلع و قمع کن.

در ورود به حرم، وارد در امان خدا و حمایت او و پوشش و حفظ حضرت او شو.

با زیارت بیت عظمت و معرفت و سلطنت،صاحب بیت را در عرصه گاه وجودت تحقّق بخش.

با استلام حجرالاسود به قسمت او نسبت بخود اعلام رضایت کن و در برابر عزّتش سر خضوع و تواضع بر خاک گذار.

با طواف وداع از ماسوای او وداع کن.

بهنگام قرار گرفتن بر کوهصفا، باطن و روح خود را برای روز ملاقات با حق درصحرای محشرصفا ده.

صاحب مروت و جوانمردی باش و اوصاف اخلاقی خود را بوقت قرار گرفتن در مروه تصفیه کن.

بر عشق و محبتت نسبت به حضرت حق و وفای به عهدت؛ آن عهده که با حضرت او بستی که بنده واقعی او باشی استقامت ورز.

این حقیقت را عارف باش که حج از جانب حق واجب نشده و از میان تمام عبادات اختصاص به او پیدا نکرده و در شرع نبوی مناسکش بدینصورت ترتیب نیافته مگر برای ظهور آمادگی تو برای بندگی و طاعت واقعی و اشاره به مرگ و قبر و زنده شدن وصحنه عظیم قیامت.

ص:۷۹

او می‌خواهد که بنده‌اش با مشاهده‌صحنه‌های حج، به دخول اهل بهشت به بهشت و ورود اهل جهنم به جهنم معرفت پیدا کند.» «(۱)»

۱- - بحار، ج ۹۶، ص ۱۲۴

ص:۸۰

حدیث:۲۱

آداب ورود به حرم

حرم یادآور عنایت و رحمت خاص حق به این قطعه از زمین است؛ قطعه‌ای که خداوند عزیز با دعوت بندگانش به آن ناحیه، آنان را در کلاس عبادت و طاعت و بندگی و عبودیت به عرصه‌گاه آزمایش و امتحان و بلا و ابتلا می‌آورد؛ امتحان و آزمایشی که هر کس از آن سرفراز و قبول درآید، محبوب حق می‌شود و در دریای رحمت و غفران و رأفت و لطف غرق می‌گردد.

حرم یادآور نزول فرشتگان و رفت و آمد ملائکه برای طواف بیت و عبادت حق و همسویی با اولیای الهی و بندگان خاصّ پروردگار است.

حرم در عالم معنا قبه‌ای از نور، انعکاسی از ملکوت، تاجی بر فرق زمین، خاستگاه رحمت، ایستگاه مغفرت و خزانه عنایت دوست، منبع رحمت معشوق برای عاشق مست، عارف حیران و سالك مجذوب و مجذوب سالك است.

ص:۸۱

حرم یادآور کرامت و فضیلت، اصالت و شرافت، حق و حقیقت،صدق و سلامت، بی‌پیرایگی و امانت و درستی و امنیت است.

حرم یادآور اخلاص و پاکی، رفع آلودگی و ناپاکی، عبادت و بندگی، خضوع و شرمندگی و نورانیت و یکرنگی است.

حرم یادآور چهره پاکان، مناجات نیکان، عبادت بندگان، آزادی بردگان، شفای درد دردمندان، امید امیدواران، راز و نیاز مستمندان، شکر شاکران، ذکر ذاکران، و ضجه و نالهصالحان است.

حرم یادآور طاعت انبیا، اخلاص اصفیا، اشک دیده اولیا،صفای اهل حال، وفای وفاداران و بصیرت دانایان است.

حرم یادآور هاجر، رضا و تسلیم اسماعیل، زحمت و کوشش و نیت نورانی ابراهیم و طلوع وحی و ظهور قرآن است.

حرم جایگاهی نیست که هر کس را بدون شرایط راه دهند. هر زائری را بپذیرند و هر مسافری را راه نمایند. اینجا مهبط رحمت، موقف توبه، مکان استغفار، مرکز عبادت، نقطه پایان هجران، جای تماشای رخسار محبوب، محل سرگذاری به حریم معشوق و مشرق خورشید اسماء وصفات حضرت دوست است.

حرم را برای ورود به حریمش مقدماتی لازم است؛ از جمله رفتن به میقات، تلبیه، مُحرم شدن، و نفس را از بیست و چهار چیز بازداشتن، و در عرصه‌گاه حال و اخلاص و راز و نیاز آمدن و با پای دل به سوی محبوب به حرکت آمدن، آنگاه به حریم حرم مولا وارد شدن!

شرایط ورود به حرم از زبان پاک وجود مبارک حضرت رضا- ع-:

ص:۸۲

«فاذا بلغت الحرم فاغتسل قبل ان تـدخل مکه و امش هنیئة و علیک السـکینة و الوقار، فاذا دخلت مکة و نظرت الی البیت فقل: الحمد للّه الذی عظمک و شرّفک و کرمک و جعلک مثابةً للناس و امناً و هدیً للعالمین، ثم أدخل المسجد حافیاً و علیک السکینة و الوقار و ان کنت مع قوم تحفظ علیهم رحالهم حتی یطوفوا و یسـعوا کنت أعظمهم ثواباً و ادخل المسـجد من باب بنی شیبة فقل: بسم اللّه و باللّه و علی ملّة رسول اللّه، ثم تطوف بالبیت تبدأ برکن الحجرالاسود و قل: امانتی ادّیتها و میثاقی تعاهدته لتشـهد لی بالمؤافاة، آمنت باللّه عزّ وجلّ و کفرت بالجبت و الطاغوت و اللات و العزّی و الهبل و الاصـنام و عبادة الأوثان و الشـیطان و کل ند یعبد من دون اللّه جل سبحانه عما یقولون علوّاً کبیراً.» «(۱)»

«هنگـامی که به عرصه‌گـاه حرم رسـیدی، قبـل از ورود به مکه غسـل کن. بـا دلی شـاد به حرکت خود ادامه بـده. وقـار و آرامش را رعـایت نمـا. چون داخـل مکه شـدی و به بیت نظر انـداختی بگو: سـپاس خـدای را که تو را عظمت و شـرافت و کرامت داد و مرکز اجتماع بندگان و هدایت عالمیان قرار داد.

سپس بـا رعـایت وقار و آرامش، با پای برهنه وارد مسـجد شو. اگر همراهانی داشتی وسائل آنان را نگهـدار تا طواف و سـعی بجای آرند که بزرگترین ثواب نصیب تو شود.

از در بنی شیبه وارد مسجد شو و بگو:

بسم اللّه و باللّه و علی ملّة رسول اللّه-صلی اللّه علیه و آله-

سپس به طواف خانه برخیز و برنامه طواف

۱- - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۵۹

ص:۸۳

را از مقابل حجرالاسود شروع کن و بگو:

امانتی است که آن را ادا می‌کنم و پیمانی است که نسبت به آن، با حضرت تو تعهد می‌کنم تا شاهد وفای آن از جانب من باشی. ایمان به خدای- عزوجل- آوردم و نسبت به جبت و طاغوت و لات و عزّی و هبل و همه بت‌ها، و بندگی معبودهای باطل و شیطان و هر چه به غیر خدا عبادت می‌شود کافر شدم. بزرگ است حضرت سبحان و پاک و منزّه است از آنچه بی‌خبران و بی‌خردان در حقّ او می‌گویند.»

ص:۸۴

حدیث:۲۲

طواف بیت

حضرت رضا- علیه‌السلام- در رابطه با طواف جامع و کامل می‌فرماید:

هفت مرتبه خانه حق را طواف کن و فاصله بین قدمهایت را کوتاه بگیر. در هر طوافی حجر را استلام کن و اگر برایت امکان نداشت با دست خود به آن اشاره کن. کنار در بیت بگو: گدای زمین‌گیر در خانه‌ات قرار دارد. بنده تو فانی و فقیر و محتاج به عرصه‌گاه حریمت بار انداخته است، بهشت خود را به او عطا کن. چون مقابل ناودان رسیدی بگو: الهی مرا از آتش دوزخ آزاد کن و شرّ فاسقان عرب و عجم را از من دور نما و مرا در سایه عرش خود قرار ده و شرّ هرصاحب شری؛ از فسقه جن و انس را از من بگردان و در طواف خود بگو: بار خدایا! از تو می‌خواهم به آن اسمی که از برکت آن بر آب می‌روند، چنانکه بر زمین حرکت می‌کنند و به اسم مخزون و مکنون نزد تو و به اسم اعظم آن؛ اسم اعظمی که وقتی به آن خوانده شوی اجابت کنی و وقتی از تو بخواهند عطا فرمایی، تو را به همه این اسماء

ص:۸۵

قسم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا مورد مغفرت و رحمت قرار دهی و عمل مرا قبول کنی به نحوی که از ابراهیم خلیل خود و موسی کلیم خود و عیسی روح خود و محمد حبیب خود قبول کردی.

چون به رکن یمانی رسیدی آن را استلام کن. در رکن یمانی دری از درهای بهشت است که از روز باز شدن بسته نشده، از برابر رکن یمانی به زاویه مسجد اشاره کن و بگو:

ربنا آتنا فی الدنیا حسنهٔ و فی الآخرهٔ حسنهٔ و قنا عذاب النار.

چون به طواف هفتم رسیدی کنار مستجار توقف کن و پرده کعبه را بگیر و زیاد دعا کن و نزد حضرتش اصرار ورز و حوائج دنیا و آخرت خود را بخواه که حضرت حق قریب و مجیب است.» «(۱)»

۱- - بحار، ج ۹۶، ص ۱۹۶

ص:۸۶

حدیث:۲۳

ثواب طواف

طواف؛ یعنی قرار گرفتن در مـدار حق و حقیقت، قدم برداشـتن درصـراط مسـتقیم، حرکت در مسـیر عشق و محبت، افتادن در وادی اخلاـص و تسـلیم، تـوجه بـه محبـوب، و اتصـال بـه عنـایت معشـوق، فراهـم آوردن لقـاء یـار و دسـت بیعـت دادن به دست دوست، زمینه‌سازی برای جلب مغفرت و رحمت حق و پاک شدن از آلودگیها وصـیقل روح و پاکسازی جان و تحصیل رضایصاحب بیت و البته زحمت و کوشش برای بدست آوردن اینهمه مایه معنوی دارای اجر عظیم و ثواب فوق العاده است.

روایت زیر گوشه‌ای از عظمت این معنا را نشان می‌دهد:

عن اسـحاق بن عمار قال: «قال ابو عبد اللَّه- علیه‌السـلام-: یا اسـحاق من طاف بهذا البیت طوافاً واحداً، کتب اللَّه له ألف حسنهٔ و محا عنه ألف سیّئهٔ و رفع له ألف درجهٔ و غرس له ألف شـجرهٔ فی الجنهٔ و کتب له ثواب عتق ألف نسمهٔ حتی اذاصار الی الملتزم فتح اللَّه له ثمانیهٔ أبواب

ص:۸۷

الجنهٔ یقال له: أدخل من أیها شئت، قال: فقلت: جعلت فداک هذا کلّه لمن طاف؟ قال: نعم أفلا أخبرک بما هو أفضل من هذا؟ قال: فقلت: بلی، قال:

من قضی لأخیه المؤمن حاجهٔ کتب اللّه له طوافاً و طوافاً حتی بلغ عشراً.» «(۱)»

از اسحاق بن عمار روایت شده که حضرتصادق فرمود: «ای اسحاق کسی که یک بار خانه خدا را طواف کند، خداوند برای او هزار حسنه ثبت می‌کند، هزار سیّئه محو می‌نماید، برایش هزار درجه قرار می‌دهد، هزار درخت در بهشت می‌کارد و ثواب آزاد کردن هزار بنده به او مرحمت می‌فرماید، چون به ملتزم برسد هشت در بهشت به روی او باز می‌شود و به او می‌گویند: از هر دری خواستی وارد شو.

اسحاق می‌گوید به حضرت عرضه داشتم این همه برای کسی است که خانه را طواف کند؟ فرمود: آری، آیا به ثوابی عظیم‌تر از این تو را خبر ندهم؟ گفتم: آری خبر دهید. فرمود: هر کس حاجتی از برادر مؤمنش برآورده کند به اندازه ده طواف به او ثواب می‌دهند!»

راستی قضای حاجت برادر دینی دارای چه ثواب عظیمی است و بهره و نصیب انسان از این عمل چه اندازه زیاد است! ای کاش تمام مردم مؤمن به این امر مهم اقدام می‌کردند که قدم گذاشتن در این وادی به تمام مشکلات مردم خاتمه می‌دهد و دنیای امّت را تبدیل به مدینه فاضله و نمونه‌ای از بهشت آخرت می‌کند.

۱- - بحار، ج ۹۶، ص ۲۰۳

ص:۸۸

حدیث:۲۴

حجر اسماعیل

مسأله با عظمت حج که حاوی بسیاری از واقعیات است از اعظم مسائل الهی و از مهم‌ترین برنامه‌های عالی مکتب انسان‌ساز اسلام است.

مسلمانان اگر به حقایق پر قیمت این عمل عبادی اسلام توجه کنند و برنامه‌های این سفر آسمانی را چنان که شایسته است انجام دهند، به رفع بسیاری از مشکلات دنیایی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و آخرتی خود موفق خواهند شد.

معنویت کعبه و آنچه مربوط به آن است، دور نمایی از عظمت و جلال و جبروتصاحب آفرینش و خالق هستی است. مسلمانان اگر شرایط واقعی حج را در اعمال خود تحقق دهند، به عظمتی ما فوق تمام عظمت‌ها و جلالی ما فوق تمام جلالت‌ها می‌رسند.

در مناسک حج، تمام عوامل تکامل انسان قرار داده شده و حاجی باید با انجام مناسک، تمام خلأهای فکری و روحی و اخلاقی

ص:۸۹

و بخصوص ایمـانی خود را جبران نمایـد و اگر بـدینصورت در اتصـال به اعمـال حـج اسـتفاده ننمایـد، حـج بجـا نیـاورده و اعمـالی هماهنـگ بـا واقعیـات الهی از او بروز و ظهور نکرده است. کعبه قبله دلهـا و ارواح و افکـار پاکـان و نشانه‌ای برای جهت دادن تمام موجودیت انسان به سوی حضرت محبوب است.

کعبه محوری است که باید انسان با گردش به دور آن محور، از تمام رذائل بیرون آمده و به تمام حسنات آراسته گردد.

کعبه خـانه عبـادت و بنـدگی و مرکز عشق و عاشـقی و جایگـاه پاکـان و نیکـان و مرکز بخـاک افتادنصالحان وصـدیقان به پیشگاه حضرت حق است.

کعبه و حجر اسـماعیل و مسـجدالحرام جایگـاه بـا عظمتی است که انبیـای بزرگ الهی و امامـان بزرگوار، به آن روی عشق داشـته و شبهای عمر خود را تاصبح در آن مکان مقدس با کمال خضوع و خشوع به عبادت گذراندند.

کعبه قلب معنویت و مرکز عبودیت و جایگـاه خلوص و محل خضوع و خشوع است و دلی که از این اوصاف عالی رنگ نـدارد، در آن حریم مبارک راه نـدارد. بـدون نفس تزکیه شـده و قلب آراسـته به حقایق و اوصاف الهی، نمی‌توان راهی به آن وادی مقدس و حرم با عظمت پیدا کرد که راه واقعی به سوی حضرت معبود فقط از طریق دل پاک و روحصاف و نفس آراسته به حسنات است.

تا از خودیّت‌های شیطانی بیخود نگردی، تا از شرارت‌های نفس

ص:۹۰

پـاک نشوی، تـا از چـاه تاریـک رذائـل بیرون نیایی، تا خودیت الهی خود را باز نیابی، تا خویشـتن را از بیگانگان و دشـمنان بی‌نیاز نسازی به حریم حرم راه پیدا نکنی.

حجر اسـماعیل که در دامن بیت و داخل مطاف است، محل زنـدگی هاجر، آن انسان والا و کم نظیر و جایگاه زندگی اسـماعیل آن نمونه اعلای انسانیت و اقامه کننده نماز و ادا کننده زکات و وفادار به پیمان و آن شخصیتی است که خداوند عزیز در قرآن مجید او را «صـادق الوعـد» سـتوده و نسبت به او اعلاـم رضـایت فرموده است؛ آن بزرگ پیـامبری که زن و فرزنـد را به نماز و عبادت خـدا دعوت می‌کرد و در کنار بیت زندگی را به عبادت و مناجات و خدمت به مردم منطقه و تربیت عباد حق می‌گذراند.

حجر اسماعیل، بنابر مشهور، مدفن عده‌ای از انبیا و سفرای حق و محل دفن هاجر و اسماعیل است.

امامان شیعه در آن محل به عبادت و مناجات با قاضی‌الحاجات می‌پرداختند و به دعا و راز و نیاز در آن مکان شریف اصرار داشتند.

روایت زیر گوشه‌ای از این حقیقت را بازگو می‌کند:

عن علی بن مزید بیاع السابری قال: «رأیت أبا عبداللّه- علیه‌السلام- فی الحجر تحت المیزاب مقبلًا بوجهه علی البیت باسطاً یدیه و هو یقول:

اللّهمّ ارحم ضـعفی و قلّهٔ حیلـتی، اللّهمّ أنزل علیَّ کفلین من رحمتـک و ادرُرْ علیَّ من رزقـک الواسـع و ادرأ عَنّی شـرّ فسـقهٔ الجنّ و الانس و شرّ فسقهٔ العرب و العجم، اللّهمّ أوسع علیَّ من الرّزق و لا تقتّر علیَّ، اللّهمّ ارحمنی

ص:۹۱

و لا تعذّبنی أرض عنی و لا تسخط علیَّ، انّک سمیع الدعاء، قریب مجیب.» «(۱)»

علی بن مزیـد می گویـد: «حضـرتصادق- علیه‌السـلام- را در حجر اسـماعیل زیر نـاودان دیـدم که متوجه بیت بود و دو دست به دعا برداشـته به محضـر حق عرضه می‌داشت: الهی به ناتوانیم و اندک چاره‌ام رحم کن. الهی رحمت دنیا و آخرتت را بر من نازل فرما و از روزی واسعت بر من زیاد گردان، و شرّ فاسقان جن و انس را و فاسقان عرب و عجم را از من دور کن. خدایا روزیم را وسعت ده و بر من تنگ مگیر. الهی به من رحمت آور و مرا عذاب مکن. از من راضی شو و بر من غضب منما. به حقیقت که شنونده دعایی و نزدیکی و اجابت کننده خواسته بندگانی.»

۱- - بحار، ج ۹۶، ص ۱۹۹

ص:۹۲

حدیث:۲۵

نماز طواف

نماز، اساسی‌ترین رشته الفت و عالی‌ترین عامل محبّت بین بندگان و حضرت حق است.

نماز، نور دل،صفای قلب، روشنی جان، سلامت روان و فروغ هستی و ذات عبادصالح خداست.

نماز، واسطه محکمی است که تمام هستی انسان را به ملکوتِ وجود پیوند می‌دهد و همانند آن، برنامه‌ای را برای ربط دادن آدمی به حق و حقیقت نمی‌توان یافت.

نماز، پناه بی‌پناهان، سنگر مجاهدان، گلستان روح افزای عاشقان، چراغ سحر مشتاقان، نور وجود عارفان، آرامش دل بینایان و سیر کمالی آگاهان است.

نماز، زنده کننده جان، ظهور دهنده حیات جاودان، راز و نیاز دردمندان، روشنی راه رهروان، نور دیده بیداران، سرمایه مستمندان، دوای درد سالکان، نوای دل بی‌دلان، دلیل گمراهان، امید امیدواران، سرّ

ص:۹۳

حقیقی سحر خیزان، سوز دل سوختگان، حرارت روح افسردگان، مایه بقای جان، و دستگیره نجات انسان از تمام مهالک است.

نماز، برتر از همه عبادات، جامع تمام کمالات، منعکس کننده کلّ واقعیات، منبع برکات و کلید قفل تمام مشکلات است.

نماز، خمیر مایه حیات، تزکیه کنندهصفات، علاج زشت‌ترین عادات، بوجود آورنده حسنات، محو کننده سیئات، باعث کرامات، منبع فیض و افادات، نگهدارنده انسان از آفات و حقیقت روح اهل مناجات است.

نماز، عشق سالکین، عبادتی آتشین، کاری بی‌قرین، بهترین معین، خورشید اهل زمین، مونس اصحاب دین، امنیت خاطر غمین ورحمت واسعه حضرت أرحم الراحمین است.

نماز، حقیقتی روحانی، دستور واجب حضرت سبحانی، نفخه رحمانی، جان انسانی، و نور یزدانی است.

نماز، هویت ایمان، حقیقت جهان، طریقت جان، قدرت انسان و مایه بهشت و رضوان است.

نماز، چشمه زمزم روح، ساغر معنویصبوح، فتح الفتوح، توبه نصوح، حضرت حق را ممدوح، اجمال قرآن را مشروح و در طوفان حوادث و آفات کشتی نوح است.

بدون نماز خود را اهل حق و حقیقت مدان و رسیدن فیض خاص الهی را توقع مدار.

اکسیر وجود منهای نماز بی سود است. بی‌خبرانِ از نماز،

ص:۹۴

بی‌خردانند و فراریان از این مقام گرفتار دام شیطانند.

ثروتمندان بی‌نماز فقیرند و تهیدستان با نماز از همه ثروتمندترند.

برای انجام نماز، مکانی، در همه زمین، برتر و بالاتر از مسجدالحرام نیست و در محدوده مسجدالحرام جایی افضل و اعلی از مقام ابراهیم نمی‌باشد؛ مقامی که دو رکعت نماز طواف، که از نمازهای واجب است، پس از اتمام طواف باید در آنجا انجام بگیرد.

ثواب هر نمازی بخصوص نماز طواف در مسجدالحرام ثوابی عظیم است.

در این زمینه روایت زیر نشاندهنده عظمت این حقیقت است:

عن الرضا عن آبائه، عن الباقر- علیهم‌السلام- قال: «صلاهٔ فی المسجدالحرام أفضل من مائهٔ ألفصلاهٔ فی غیره من المساجد.» «(۱)»

حضرت رضا از پدرانش از حضرت باقر- علیه‌السلام- روایت می‌کند که: «یک نماز در مسجدالحرام بالاتر ازصد هزار نماز در مساجد دیگر است!»

۱- - ثواب الاعمال، ص ۲۸

ص:۹۵

حدیث:۲۶

سعی صفا و مروه

زائر با ورود به حریم حرم و با قدم گذاردن به مسجدالحرام ودیدن کعبه و مقام و رکن و مستجار و حجرالاسود، وصفا و مروه- که در قرآن مجید می‌فرماید از شعائر خداست «(۱)»- باید با چشم دل نظری به ابراهیم و اسماعیل و هاجر با کرامت بیندازد که این بزرگواران در چه مقامی از عبادت و بندگی و اخلاص و تسلیم قرار داشتند و چگونه و با چه کیفیت از اخلاق حسنه و عملصالح برخوردار بودند.

ملکوت اعمال و اخلاق این بندگان خاص حق بصورت کعبه و مسجدالحرام وصفا و مروه و مقام و مناسکِ مربوط به این مکانها درآمد.

هاجر جهت سیراب کردن اسماعیل، برای رضا و خوشنودی حق هفت مرتبه صفا و مروه را سعی نمود تا لطف خدا بصورت چشمه

۱- - بقره، ۱۵۸

ص:۹۶

زمزم جهت ادامه حیات این مادر و فرزند تجلی کرد. و این معنا بصورت سعیصفا و مروه سنت الهی شد و بر تمام حاجیان انجام این سنت واجب و فرض گشت.

حاجیان برای سیراب کردن قلب از ایمان و عقل از معرفت و نفس از حسنات و اعضای رئیسه بدن از اعمالصالحه، باید به سعیصفا و مروه برخیزند و سعی خود را فرار از شیطان و روی‌آوردن به حق قرار دهند.

در ادای «سعی» باید سعی زائر این باشد که این حرکت درصفا و مروه را بمنزله تردّد در حریم خانه مالک الملوک قرار دهد و نسبت به حضرت او امید عطا و بخشش داشته باشد.

ای عزیز، در حال سعیصفا و مروه، دامن همت به کمر زن، دست طلب بگشای و با هر تعب و زحمتی است، حالات خود را در همان مدت اندک اصلاح کن و شرایط زائر حقیقی را تحصیل نما و از این معجون الهی که با کشف تام محمّدی و ابراهمیی برای درمان تمام دردها و نقص‌های نفوس فراهم آمده استفاده کن و خود را، تا مجال است، از این منزلگاه ظلمت و حسرت و ندامت و چاه عمیق دوری از ساحت مقدس ربوبیت جلّ و علا کوچ ده و خلاص کن و خویشتن را به معراج وصال و قرب و کمال برسان.

لباس گناه و معصیت در این رفت و آمد از وجود خود بدر آر و به لباس پاکی و تقوا آراسته شو و غبار و خاک شیطنت بهنگام هروله کردن، از باطن بریز و لجن هوا و رذائل اخلاقی از درون پاک کن و با آب

ص:۹۷

عشق دوست ظاهر و باطن بشوی و با دست اخلاص در تسلیم را بکوب و سعی کن جز سر باختن در راه محبوب هوسی در دل نماند.

در این رفت و آمد، اگر آلودگی کبر، حرص، بخل، دو رویی، کینه، تعصب، خشم و غضب، ریا و خودنمایی و غرور و خود بزرگ‌بینی علاج نشود، فلسفه سعیصفا و مروه تحقق پیدا نکرده است. روایت زیر نشانگر حکمت شگفت‌انگیز سعی است:

قال ابو عبد اللَّه- علیه‌السلام-: «ما للّه‌عزّ وجلّ منسک أحب الی اللّه تبارك و تعالی من موضع السعی و ذلك انّه یذلّ فیه کلّ جبار عنید.» «(۱)»

«برای خداوند در میان مسائلِ مناسك، مسأله‌ای محبوبتر از موضع سعی نیست و این بخاطر این است که هر جبار معاندی در آن محل به ذلّت می‌افتد.»

۱- - بحار، ج ۹۶، ص ۲۳۴

ص:۹۸

حدیث:۲۷

نماز در مسجدالحرام

انسان برای ورود به عرصه گاه معنوی نماز و دست یافتن به حقیقت این عبادت، ناچار است مراحل و منازلی را طی کند.

در مرحله اول بایـد نسبت به لبـاس و مکـان و آب وضو و غسـل و خاک تیمّم از حق و حقوق تمام مردم و بیت‌المال مسـلمین پاک شود.

اگر ذره‌ای از اجزاء لباس یا قسـمتی از مکان و محل این عبادت، یا قطره‌ای از آب وضو و غسل، یا مقـداری از خاک تیمّم غصبی یا حرام باشـد، بـا آن لبـاس و در آن مکـان و بـا آن آب و خاک بهیـچ عنوان نمی‌توانـد به بارگاه قـدس برسـد و به میهمانی حضـرت محبوب مشرّف گردد.

نماز با لباس حرام و با آب و خاک غیر مباح و با مکان غیر شـرعی نماز نیست، هر چنـد مکلف برای بجا آوردن آن خود را به انواع مشقتها و زحمات و رنج‌ها دچار کند.

مگر امکـان دارد کسـی با آلودگی به مال حرام یا قرار گرفتن در مقام حرام، یا با اتصال به غسل و وضو و تیممی که آب و خاکش از راه حرام

ص:۹۹

است، به بارگاه عزت آن عزیز راه یابد.

نماز مقام پاکان و نیکان است. نماز جایگاه بینایان و دانایان است.

نماز طریق عاشقان و عارفان است.

عارف عاشق محال است در مسائل نماز و سایر برنامه‌ها از دستور معشوق سرپیچی کند.

مگر برای مؤمن امکـان دارد بـا آب غصبی یـا خـاك حرام غسـل یـا وضو یا تیمّم بسازد، آن وضو و غسل و تیمم مگر طهارت خـدا خواسته را تحقّق می‌دهد؟!

ای عزیز، به قدر میسور و مقدار مقدور این وقت مناجات را غنیمت شـمار و به آداب قلبی و قالبی آن قیام کن و به قلب خود بفهمان که مـایه حیـات ابـدی و سرچشـمه فضایـل نفسـانی و رأس المـال کرامـات غیر متناهی به مراودت و مؤانست با حق است، بخصوص بتوسـط نمـاز که معجون روحـانی سـاخته شـده بـا دست جمـال و جلاـل حق است، و از جمیع عبادات جامع‌تر و کامل‌تر است، پس اوقات و شرایط آن را حتی‌الامکان محافظت کن.

اشـتغالات قلبی را در اوقـات نماز کم و بلکه قطع کن. به کتب روایت مراجعه نما و در ضـمن توجه به احادیث، در احوال معصومین تـدبّر کن و در حالات آن بزرگواران تأمل نما، شاید تنبّهی حاصل آید و بتوان به قلب مهجور فهماند که اوقات نماز، اوقات حضور در بارگاه قدس حضرت ذوالجلال است. اوقاتی است که حق تعالی، که مالك الملوك و عظیم مطلق است، بنده ضعیف ناچیز را به مناجات خود

ص:۱۰۰

دعوت فرموده و بدار الکرامت خود اذن دخول داده تا فوز به سعادت‌های ابدی و سرور و بهجت‌های دائمی پیدا کند.

از دخول وقت نماز به مقدار معرفت خود، بهجت و سرور داشته و اگر قلب استشعار عظمت و خطر مقام کند به مقدار فهم عظمت، خوف و خشیت حاصل می‌شود و چون قلوب اولیا مختلف و حالات آنها متفاوت است، به حسب تجلّیات لطیفه و قهریه و استشعار عظمت و رحمت و جمال آنها را به سرور و بهجت وادار کند و «أرحنا یا بلال» گویند و گاهی تجلّیات به عظمت و قهر و سلطنت آنها را از خود بیخود کند و رعشه و رعده به آنها دست دهد.

بالجمله، ای زائر آداب قلبیه اوقات آن است که خود را مهیا کنی برای ورود به حضور مالک دنیا و آخرت و مخاطبه و مکالمه با حضرت حق- جلّ و علا- پس با نظری دقیق، توجه به ضعف و بیچارگی و ذلت و بینوایی خود، و عظمت و بزرگی و جلال و کبریایی ذات مقدس او بنما که انبیای مرسلین و ملائکه مقرّبین در بارگاه بزرگیش، از خود بیخود شوند و اعتراف به عجز و مسکنت و ذلت کنند و چون این نظر را نمودی و به دل فهماندی، آن دل استشعار خوف کند و خود و عبادات خود را ناچیز شمارد.

از طرفی دیگر، با نظری عمیق توجه به سعه رحمت و کمال عطوفت و احاطه رحمانیت آن ذات مقدس کن که بنده ضعیفی را به بارگاه قدس خود، با همه آلودگی و بیچارگی که دارد، بار داده و او را با همه تشریفاتِ فرو فرستادن فرشتگان و نازل نمودن کتابهای آسمانی

ص:۱۰۱

و فرستادن انبیای مرسلین، دعوت به محفل انس خود فرموده، بدون آن که سابقه استعدادی از برای بنده بیچاره باشد و یا در این دعوت و حضور برای حضرتش یا ملائکهٔ اللّٰه یا انبیا سودی تصور شود.

پس با قدم خوف و رجاء، رغبت و رهبت خود را مهیای حضور کن که عمده آن آن است که با قلب خجل و دل پر از خوف و با حال انکسار و ذلّت و ضعف و بیچارگی وارد محضر شوی و خود را بهیچ وجه لایق محضر ندانی و لایق عبادات و عبودیت نشماری و اذن در عبادت را فقط از شمول رحمت و عمیم لطف حضرت محبوب بدانی، که اگر ذلّت خود را نصب عین کردی و به جان و دل برای ذات مقدس حق تواضع نمودی و خود و عبودیت خود را ناچیز و بی‌ارزش دانستی حق تعالی با تو لطف کند و تو را رفعت دهد و به کرامات خود بیاراید.

اگر بگویند نماز باب رحمت، بارگاه قدس، میقات عاشقان، معراج مؤمنان، عشق عارفان، راه دانایان،صراط بینایان، جان والهان، وسیله قرب جانان، و درمان دردهاست، چیزی به گزاف نگفته‌اند.

معاویهٔ بن وهب می‌گوید: «از حضرت صادق- علیه‌السلام- پرسیدم:

برترین چیز که وسیله قرب عباد به حق و محبوبترین عمل نزد خداوند است چیست؟ فرمود: پس از شناخت حق، چیزی را محبوبتر از نماز نمی‌شناسم.» «(۱)» ابوبصیر از حضرتصادق- علیه‌السلام- نقل می‌کند: «یک نماز واجب از بیست حج بالاتر است و یک حج بهتر است از خانه‌ای که پر از طلا

۱- - فروع کافی، ج ۱، ص ۳۷

ص:۱۰۲

باشد و همه آن درصدقه مصرف شود.» «(۱)» یونس بن یعقوب گوید: «شنیدم حضرت صادق- علیه‌السلام- فرمود: یـک حـج از دنیا و آنچه در آن است بالاتر است و یک نماز واجب از هزار حـج بالاتر است.» «(۲)» بـا توجه به این اوصاف، بر زائر بیت لازم است؛ اوّلًا تمام نمازهای واجب خود را در حرم اقامه کند، و آن نمازها را- چنانکه سفارش بزرگان دین است- با جماعت بخوانـد که روی گردانـدن از جمـاعت آنهم در کشوری که انسـان را مورد تهمت قرار می‌دهنـد، و بوقت اقـامه نماز با فیلم‌برداری، رفـت و آمـدها را کنـترل می‌کننـد، از شـأن مؤمن دور، و بـاعث وهن شـیعه و بـدبینی دیگر مسـلمانان به فرقه نـاجی و علت رنجش حضرت ولی عصر- علیه‌السلام- است.

چه مکـانی برای نمـاز بالاتر از مسـجدالحرام و چه حریمی از حضـرت محبوب برتر و چه جماعتی از نظر جمعیّت، به کثرتِ جمعیت مسجدالحرام بوقت نمازهای واجب است؟

مـا در آنجا مأمور به اقتـدای به نماز هستیم، این مأموریتی است که امامان بزرگوار، بعهـده ما گذاشـته و ثواب عظیمی برای آن ذکر کرده‌اند.

علاوه بر نمازهای واجب و ادای مناسک لازم سعی کنید تا می‌توانید در آن مکان شریف نماز قضا و نمازهای نافله و مستحبی

۱- - وسائل، ج ۳، ص ۲۶

۲- - وسائل، ج ۳، ص ۲۷

ص:۱۰۳

بخوانید و مدّت کوتاهی که خداوند مهربان در این سفر بعهده شما گذاشته ضایع نکنید.

از نماز شب در آن حرم مبارك غفلت نورزید و لحظه‌ای دست از مناجات و راز و نیاز با حضرت بی‌نیاز بر ندارید.

به ارزش نماز در مسجدالحرام که در روایت زیر بازگو شده دقت فرمایید:

عن معاویهٔ بن عمار قال: قال أبو عبد اللّٰه لابن أبی یعفور: «أکثر الصلاهٔ فی مسجد رسول اللّٰه-صلی اللّٰه علیه و آله- فان رسول اللّٰه- صلی اللّٰه علیه و آله- قال:صلاهٔ فی مسجدی هذا، کألفصلاهٔ فی مسجد غیره الّا المسجد الحرام، فانصلاهٔ فی مسجدالحرام تعدل ألفصلاهٔ فی مسجدی.» «(۱)»

معاویهٔ بن عمار گوید: حضرت صادق- علیه‌السلام- به ابن ابی یعفور فرمود: «در مسجد رسول خدا زیاد نماز بخوان، که پیامبر خدا فرمود: نماز در این مسجد برابر هزار نماز است مگر مسجدالحرام که نماز در مسجدالحرام برابر هزار نماز در مسجد من است.»

۱- - کامل الزیارات، ص ۲۱

ص:۱۰۴

حدیث:۲۸

عرفات

چون عمره تمتّع با تمام شرایط ظاهری و معنویش به پایان رسد، زائر خانه آماده رفتن به عرفات می‌شود.

قبل از رفتن به عرفات، مستحب است زائر غسل کند و به مسجدالحرام رفته در پیشگاه محبوب، نزدیک مقام ابراهیم به احرام حج تمتع محرم شود و برای وقوف به عرفات، از ابتدای ظهر نهم تا غروب آفتاب آماده شود.

عرفات گر چه از نظر ظاهر، بیابانی بیش نیست ولی باطن آن مضیف خانه حضرت محبوب و جای مهمانان خاص حضرت حق است.

وادی عرفات محفل راز، محلّ اظهار نیاز، جایگاه درمان دردهای باطن، مرکز دعا، عرصه گاه حال و مناجات، میدان طلب رحمت و مغفرت از جناب دوست و موضع گذاشتن پیشانی ذلت به درگاه مالك الملوك است.

ص:۱۰۵

ناله دردمندان در آنصحرا مورد قبول و آه و فغان مستمندان در آن وادی در معرض توجه خداوند مهربان است.

در آنجا باید زمینه لقای دوست را فراهم آورد و از گلستان رحمت حضرتش گل وصال چید.

آنجا باید با دیدن کثرت کفن پوشان، یاد قیامت کرد و بوقت کوچ بهنگام غروب، آن لحظه را باید در نظر آورد که خیمه حیات را با همه وسائل و عناصرش خوابانده و انسان را به طرف برزخ با یک لا کفن کوچ می‌دهند!

برای آنان که هزاران فرسخ راه را طی کرده و دل از اهل و عیال و مال و منال برداشته و به آنصحرا آمده‌اند و تکیه‌گاهی جز حق ندارند و با دوست به راز و نیاز برخاسته و از حضرتش- با کمک دعای عرفه حضرت سید الشهدا و راز و نیاز- طلب عنایت و رحمت و مغفرت می‌کنند، ثواب عظیمی قرار داده شده که روایت زیر گوشه‌ای از آن را بازگو می‌کند:

حضرت مجتبی- علیه‌السلام- می‌فرماید: «شخصی خارج از مذهب اسلام به محضر رسول حق-صلی اللّه علیه و آله- آمد و از آن حضرت مسائلی پرسید؛ از جمله عرضه داشت مرا آگاه کن برای چه خاطر خداوند امر به وقوف به عرفات بوقت عصر فرموده؟ حضرت فرمود: عصر ساعتی است که آدم پروردگارش را عصیان کرد، بر امتم واجب فرمود در عرفات وقوف کنند و در محبوبترین مکانها در نزدش به تضرّع و دعا برخیزند.

ص:۱۰۶

آن ساعتی که مردم از آنجا کوچ می‌کنند ساعتی است که آدم کلمات را از حق دریافت نمود و آراسته به مقام توبه شد و توبه او از جانب توّاب رحیم پذیرفته شد.

سپس پیامبر فرمود: قسم به آن که مرا به حق مبعوث به رسالت فرمود و بشیر و نذیر قرار داد، خداوند را در عالم ملکوت بابی است که به آن گفته می‌شود: باب رحمت، باب توبه، باب حاجات، باب تفضل، باب احسان، باب جود، باب کرم و باب عفو. احدی در عرفات نمی‌آید مگر این که از جانب خداوند بوقت وقوف، مستحق همه این واقعیات می‌شود.

برای حضرت حقصد هزار فرشته است، با هر فرشته‌ایصد و بیست هزار فرشته است و برای خداوند رحمتی است که برای اهل عرفات به عرفات‌نشینان نازل می‌شود، چون از عرفات کوچ کنند خداوند فرشتگان خود را شاهد می‌گیرد به این که اهل عرفات از آتش جهنم آزادند، و حضرت حق بهشت را بر آنان واجب فرمود، و یک منادی ندا می‌دهد: بروید در حالی که آمرزیده شدید، مرا خوشنود کردید و من از شما خوشنودم!

شخص خارج از مذهب اسلام عرضه داشت: ای محمد،صادقانه سخن گفتی.»

ص:۱۰۷

حدیث:۲۹

وقوف درمشعرالحرام

بوقت غروب آفتابِ روز نهم، زائر بیت- به حکم حضرت حق در قرآن مجید- باید به طرف مشعر کوچ کند و شب دهم را، که مصادف با شب عید است، در مشعر بماند تا وقوف واجب مشعر را در وقتی که معین شده درک کند.

قرآن مجید مشعر را جایگاه ذکر و یاد حضرت حق می‌داند و به ذکر و یاد حق امر فرموده است.

آری باید به خالق مهربان، بخصوص در آن شب، توجه کرد و متذکر به ذکر قلبی و لسانی شد.

آن وجود مقدسی که انسان را به انواع نعمت‌های ظاهری و باطنی آراست و به او لیاقت انجام مناسک حج را عنایت فرمود.

آن وجود مبارکی که توفیق تصفیه مال و تزکیه اخلاق و پاکی عمل به انسان مرحمت فرمود و زمینه آمدن به حج را پس از تحقق آن واقعیات برای زائر فراهم آورد.

ص:۱۰۸

آن مهربانی که چراغ هدایت در قلب برافروخت، و پیوند دل را با توحید و رسالت و عدل و امامت و قیامت کبری محکم نمود.

آن منبع لطف و رحمت که عرصه آشنایی با قرآن و اهل بیت را برای زائر تحقق داد و بدینوسیله تمام درهای رحمت را به روی آدمی گشود.

زائر باید بوقت وقوف به مشعر، دل از مظاهر بردارد و گوشه‌ای خلوت برای خود بگزیند و در آن فرصت کوتاه از ذکر و عبادت و راز و نیاز غافل نماند، مبادا که با طلوع آفتاب جز حسرت و ندامت برای او نماند.

زائر با قرار گرفتن در مشعر و توجه به حضرت محبوب، و یاد و ذکر خدا، مستوجب اجری بزرگ می‌شود که روایت زیر به آن اشاره کرده:

عن سلیمان بن مهران قال: «قلت للصادق- علیه‌السلام-: کیف صار وطی المشعر علیه واجباً؟ قال: لیستوجب بذلک بحبوحهٔ الجنهٔ.» «(۱)»

سلیمان بن مهران گوید: «به حضرت صادق- علیه‌السلام- گفتم: چه شده که فرود آمدن به مشعر بر مکلف واجب گشت؟ فرمود: به آن سبب که مستوجب قرار گرفتن در وسط بهشت شود.»

۱- - بحار، ج ۹۶، ص ۲۶۷

ص:۱۰۹

حدیث:۳۰

وقوف به منا

انسـان جامع همه اسـتعدادهاست. قوای روحانی و ملکوتی، در حـدی که انسان را به عالی‌ترین مـدارج کمال برسانـد، در انسان قرار داده شـده، ظرف رسـیدن به کمالات و حقـایق همین دنیایی است که انسان در آن زنـدگی می‌کنـد و زنـدگی دنیا همراه با تبعاتی همانند جسم، غریزه، شهوت، خوردن و آشامیدن و پوشیدن و کسب و کار و تجارت و کوشش است.

رابطه انسان با این امور نبایـد بی‌حد و مرز باشد، اگر راه شـکم و شـهوت بدون مرز و حد باشد، انسان بتدریج محکوم این دو برنامه شده و از وجود او موجودی تبهکار و آلوده و ستمگر ساخته خواهد شد.

راه جلوگیری از بی‌حد و مرز شدن شکم و شهوت فقط و فقط عبادت است، آنهم عبادتی که وحی آن را نظام داده است.

بندگان واقعی حق، چراغ زندگی و گل گلستان حیات و گوهر

ص:۱۱۰

گرانبهای صدف آفرینشند.

بنیایان راه فرموده‌اند: «بدان که مقصود اصلی از آفرینش انسان معرفت حق و رسیدن به عشق او و مأنوس شدن با حضرت اوست.» رسیدن به این مقام، موقوف برصفای نفس و تجرّد آن از هوا و هوس است. هر اندازه کهصفای نفس بیشتر و وارستگی آن شدیدتر باشد، انس و علاقه آن نسبت به خداوند متعال افزونتر خواهد بود.

بدیهی است کهصفای نفس و تجرد آن، منوط است به پیراستگی از شهوات نفسانی و اجتناب از لذتهای حرام و آرزوهای پست حیوانی و عدم تعلّق قلب به مال و منال دنیوی؛ زیرا همه اینها- درصورتی که خارج از حدود شرع باشد- موانعی هستند که انسان را از معارف الهی و نفخات قدسی باز می‌دارند، و هیچ چیز روح انسانی را از نزدیک شدن به عالم قدس که از آن نزول یافته، مانع نمی‌شود مگر آنچه که بنام «مشتهیات نفسانی» نامیده شده، از قبیل غرائز حیوانی و ناستوده‌های اخلاقی و کردارهای شیطانی. و هم چنانکه ظرف تا هنگامی که از آب پر می‌باشد ورود هوا به داخل آن امکان ندارد، نفوس انسانی نیز تا خالی و وارسته ازصفات و ملکات نکوهیده نباشد نور الهی چنانکه شایسته است قلوب آنان را روشن نخواهد نمود.

نفوس به هر نسبت که از این پلیدیها پاک شوند، انوار دانش بر دل آنها اشراق بیشتری یافته و بخشش‌های یزدانی بر آنها روی‌آور می‌شود. به عکس نفوسی که به غیر خدا اشتغال دارند، معرفت و شناسایی پروردگار و حلاوت و دوستی و انس با او در دل آنها جای

ص:۱۱۱

نخواهد گرفت و بهر اندازه که تجرّد نفس کمال یابد، ایمان و یقین بیشتر می‌شود وصفات عالی و فضائل کم نظیر و رفعت که نفس انسانی در آن مرحله ازصفا و تجرد خواهان است، از عالم کمال الهی بر او فرود می‌آید.

بدین جهت عباداتی که به منزله نردبان ترقّی و راه وصول به این کمال می‌باشد، تشریع شده است.

چه، پاره‌ای از آنها انفاق مال و بخشیدن آن است که باعث انقطاع انسان از آزمندی به دنیاست؛ مانند زکات و خمس وصدقات و این انقطاع همان علّت غائی تشریع انفاق است که به اصطلاح دانشمندان به غرض از تشریع نامیده می‌شود، اگر چه بهره بردن پاره‌ای از مردم بر آن مترتب است.

بعضی از آنها خودداری و اجتناب از شهوات و لذّات است؛ مانند روزه و پاره‌ای از آنها به منظور پرداختن دل به یاد خداوند متعال و توجه آن به سوی او توأم با حرکات خاص گوناگون جسمی است؛ مانند نماز. آثار کامل و شایسته‌ای که در نفس از مداومت و پیوستگی بر آن اعمال حاصل می‌شود ثابت و استوار خواهد بود. چه، همانا میان نفس و بدن ارتباطی است و فعل و انفعالات آنها در یکدیگر مؤثر واقع می‌شود.

مقصود از وضع و تشریع عبادات این است که انسان به آن وسیله، مدارج کمال را قدم بقدم پیموده و بهصفات ملکوتی آراسته شود، آنچه مسلم است این است که صورت ظاهری هر عبادتی نقش و اثر مطلوبی

ص:۱۱۲

در روح ایجاد کرده به موازات عبادات عضوی و اعمال جوارحی آثار بسیار نیکویی در تنویر و اصلاحات نفسی از خود بجای می گذارد.

چنانکه حساً درک می کنیم که طهارت ظاهری در پاکی و روشنی نفس تأثیر دارد؛ مثلًا هنگامی که به وضو می‌پردازیم و بوسیله این عمل به طهارت ظاهری آراسته شدیم، در خاتمه این عمل عبادی یک نوع حالتصفا و انبساط در روان خود احساس می کنیم که این حالت قبل از وضو در ما نبود و علت آن همانطور که اشاره شد راز بستگی میان روان و تن است.

حج این عمل عظیم الهی و عبادی، آنچه را که سایر عبادات در بر دارد شامل است، بعلاوه ریاضت‌های خاصی را نیز دارا می‌باشد که عبارتست از ترک وطن، رنج دادن به تن، گذشتن از مال، گسیختگی از آرزوها، تحمل مشقتها، تجدید پیمان، حاضر شدن در مشاعر و آگاهی بر شعائر.

و این همه، در سرزمین منا و اعمال مربوط به آن تجلی دارد، گر چه نفوس به حکمت و رموز بعضی از اعمال منا آشنایی ندارند، ولی باید به قصد انجام امر الهی انجام دهند که احکامی را که عقل انسان از درک حقیقت آن عاجز و به کنه معنا و اثراتی که بر آن مترتب است راه نمی‌یابد و طبیعت آدمی به آن انس ندارد؛ مانند انداختن هفت سنگ ریز به ستونی معین. پذیرفتن آن نیست مگر به جهتصدور فرمان و قصد امتثال از جهت این که فرمان و دستور است و اطاعت از آن واجب.

ص:۱۱۳

انجام این قبیل عبادات که در تزکیه نفوس و برگرداندن آنها از مقتضیات طبع و بدی و ستم و مایل گشتن نفوس به خداوند متعال و آراسته شدن به اخلاق حضرتش تأثیر کامل دارد، شایسته است برترین انواع عبادت باشد.

ندانستن حکمت و مصلحت خصوصیات خواسته شده در برخی از عبادات، از حیث کمیت و کیفیت، برای بعضی از مردم باعث تعجب و حیرت گشته و علت آن همانا ندانستن حقایق رازهای تعبدات و انوار مکنونه در مجاهدات است.

هر عملی که باید بقصد قربت انجام گیرد، هر اندازه که دور از تصرفات عقلی باشد، خصوصاً اگر انسی به آن عمل نباشد و کلفت و مشقتی نیز در بر داشته باشد؛ مانند رمی جمرات و سر تراشیدن در سرزمین منا و طول اقامت در آن محل. حصول مقام بندگی و تعبد به آن عالی‌تر و ارزنده‌تر است و به انجام اینگونه عبادات است که جان آدمی در برابر حضرت جانان قرار می‌گیرد و در دو جهان به راهی که پایدار است رهنمون می‌شود.

چه عالی و شیرین است که انسان در برابرصدور تمام فرامین مولا که سرچشمه در علم و عدل و حکمت او دارد، تسلیم باشد و در باطن خود نسبت به آن فرامین چون و چرایی نداشته باشد که چون و چرا کار متکبران و دوری از اجرای قوانین حق، راه مفسدان است.

در هرصورت وقوف به منا و انجام برنامه‌های حق در آن سرزمین، همراه با مشقت عظیمی که دارد، باعث آنچنان اجر و ثوابی

ص:۱۱۴

است که بر اساس معارف الهی گویا پس از اتمام کار و انجام اعمال وضع انسان هماننـد وقتی است که پاک و پاکیزه و بـدون گناه از مادر متولد شده است!

روایت زیر به این معنا توجه می‌دهد:

عن الرضا- علیه‌السلام- قال: «قال ابو عبد اللَّه- علیه‌السلام-: اذا افاض الرّجل عن منی وضع ملک یده بین کتفیه ثم قال له: استأنف.» «(۱)»

حضرت رضا- علیه‌السلام- فرمود: «حضرت صادق فرمودند: چون زائر از پس اتمام برنامه‌های منا کوچ کند، ملکی دستش را بین دو شانه او گذارد و به او گوید زندگی را از سر بگیر!»

۱- - بحار، ج ۹۶، ص ۲۷۳

ص:۱۱۵

حدیث:۳۱

رمی جمرات

پرتاب هفت سنگ ریز به طرف سه جمره، به مدت سه روز در منا، هدایت به این معناست که در آن وادی الهی برای همیشه تمام شیاطین درونی و برونی و طاغوتهای فاسد و مفسد را از عرصه گاه حیات خود و دیگران دور کن.
شناخت شیطان و جنود او در میدان حیات، و افسونگری‌های او و وسوسه‌هایش کار دشواری نیست. توجه به آیات قرآن مجید و دقت در روایات، راه شناخت این موجود خطرناك و لشگریان اوست که بصورت‌های گوناگون در مسیر اغوای انسان قرار دارند.
شیطان گاهی همان انسان فاسد و مفسد و لامذهبی است که برای ارضای شهوات و خواسته‌های خود به دنبال انسانهاست که برنامه‌های خود را با شگردهای گوناگونی که دارد و با وسایلی که از قبیل عناصر مادی در اختیار اوست تحمیل کند، تا انسانها از طرفی از خدا جدا شوند و از جانب دیگر حمّال خواسته‌های او باشند و گاهی بصورت

ص:۱۱۶

یک موجود نامرئی است که قدرت وسوسه کردن انسان را دارد و از این راه آدمی را دچار شقاوت و هلاکت می‌نماید.

قرآن مجید با بیان برنامه‌ها و خواسته‌های شیاطین انسی و جنّی، این موجودات موذی و فاسد و مفسد را به انسان شناسانده و آنها را دشمن آشکار انسان معرفی می‌نماید. قرآن می‌فرماید:

«بدنبال گام‌های شیطان حرکت نکنید که او نسبت به شما دشمن آشکاری است، او شما را به بدی و فحشا فرمان می‌دهد و این که نسبت به خداوند آنچه را علم ندارید بگویید.» «(۱)» «او موجود خطرناکی است که بهنگام انفاق وصدقه و مال دادن در راه خدا شما را از فقر و تهیدستی می‌ترساند و به کار ناشایست فرمان می‌دهد.» «(۲)» «بوقت مبارزه در راه خدا و جهاد فی سبیل اللّه و ایستادن در برابر دشمن، مریدان و دوستان خود را به وحشت می‌اندازد تا در مسیر حق قدمی برندارند، اگر اهل ایمان هستید از آنان نترسید، کوشش شما بر این باشد که خداترس باشید.» «(۳)» «شیطان قصد و اراده‌اش این است که مردم را به گمراهی دراندازد، آنهم گمراهی بعید»؛ «(۴)» به این معنا که فاصله انسان را از خداوند آنچنان زیاد کند که برای او امید آشتی نماند.

۱- – بقره: ۱۹۶

۲- – بقره: ۲۶۸

۳- – آل عمران: ۱۷۵

۴- – نساء: ۶۰

ص:۱۱۷

«هر کس شیطان را بجای خدا دوست و کارساز خود گیرد، براستی زیانی آشکار کرده است.» «(۱)» «کسی که گامهای شیطان را پیروی کند، برایش معلوم باشد که او به تمام گناهان ظاهر و باطن امر می‌کند.» «(۲)» «شیطان کارهای باطل را برای مردم جلوه داد تا آنان را از راه حق بازداشت، در حالی که نسبت به واقعیت بینا بودند.» «(۳)» حضرت صادق- علیه‌السلام- فرمود: «گامهای شیطان عبارتند از:

قسم خوردن برای جدایی، عهد و پیمان در انجام معاصی، قسم خوردن به غیر حق در اموری که قسم لازم نیست.» «(۴)» و نیز آن حضرت فرمود: «ابلیس به لشگریان خود می‌گوید میان مردم ایجاد حسد و تجاوز کنید، که این دو گناه نزد خداوند مساوی با گناه شرك است.» «(۵)» رسول خدا فرمود: «موسی بن عمران نشسته بود که ابلیس نزد او آمد، موسی به او گفت گناهی که سبب تسلّط تو بر فرزند آدم می‌شود کدام است؟ جواب داد: خودپسندی، زیاد دیدن عمل خویش، کوچك آمدن گناه در نظر او.» «(۶)» شیطان حضرت نوح را از دو خصلت بر حذر داشت؛ حسد و حرص

۱- – نساء: ۱۱۹

۲- – نور: ۲۱

۳- – عنکبوت: ۳۸

۴- – میزان الحکمه، ج ۵، ص ۸۲

۵- – بحار، ج ۶۳، ص ۲۶۰

۶- – میزان الحکمه، ج ۵، ص ۹۳

ص:۱۱۸

و به او گفت در سه موقعیت به اغوای انسان بسیار نزدیکم: بوقت خشم، بوقت قضاوت بین دو انسان، بهنگام خلوت با زن نامحرم! «(۱)» از مجموع آیات و روایات استفاده می‌شود که برنامه‌های خطرناك زیر از دام‌های شیطان و از فعالیت‌های او برای هلاك‌کردن انسان و دور نمودن او از خداوند مهربان است:

دعوت به زشتی

امر به فحشاء

گفتار ناهنجار نسبت به حق

ترساندن از تنگدستی به وقت انفاق

ترساندن از مبارزه و جهاد و قیامت علیه ستمگران

ایجاد گمراهی بعید

ایجاد زیان و خسارت آشکار

دعوت به گناهان ظاهر و باطن

جلوه دادن به کارهای زشت

زمینه‌سازی برای طلاق بی‌علّت

ایجاد تعهد و پیمان برای معاصی

قسم به غیر حق

ایجاد حسد و تجاوز

برافروختن شعله حرص

۱- – میزان الحکمه، ج ۵، ص ۹۴

ص:۱۱۹

ایجاد خشم و غضب

زمینه‌سازی برای خلوت با نامحرم

زائر بهنگام رمی جمرات باید توجه عمیق به حقیقت رمی کند و رمی را بخاطر رمی شیطان و برنامه‌های او و از عرصه‌گاه حیات انجام دهد، آنچنان رمی و سنگ انداختنی که پس از اتمام آن در روز دوازدهم خود را از بند شیطان و زندان ابلیس رها ببیند و آن مجسّمه لعنت را که حتی بوقت رمی هم در کنار انسان جهت گمراه کردن حاضر است برای ابد از خود دور سازد.

اگر با چنین نیت و توجهی رمی کند، بدون شک به آن آزادی حقیقی که از اعظم نعم الهی است خواهد رسید.

روایت زیر نشانگر این مفهوم عرشی و ملکوتی است:

عن ابی عبد اللَّه- علیه‌السلام- فی رمی الجمار قال: «له بکلّ حصاة یرمی بها تحط عنه کبیرة موبقة.» «(۱)»

از امامصادق- علیه‌السلام- است در مسأله رمی جمرات که آن حضرت فرمود: «به هر سنگ‌ریزه‌ای که زائر به سوی جمره پرتاب می‌کند، گناه بزرگِ هلاک کننده‌ای از دوش جانش فرو می‌ریزد.»

۱- - بحار، ج ۹۶، ص ۲۷۳

ص:۱۲۰

حدیث:۳۲

قربانی

کتاب خدا در سوره مبارک حج، برای مسأله قربانی لطائف شگفت‌آوری بیان فرموده، به گوشه‌ای از آن دقائق و حقایق عنایت کنید:

«این است احکام و مراسم و مناسک حج و هر که شعائر خدا را- که در این مراسم تجلّی دارد- بزرگ شمارد، همانا این بزرگداشت شعائر حق، از تقوای قلب است.

شما را در چهار پایان تا رسیدن زمان قربانی سودهاست، سپس وقت قربانی آنها هنگام رسیدن به بیت عتیق است.

برای هر امّتی آیین و مراسم عبادتی در قربانی کردن قرار دادیم تا نام خدای یگانه را بر ذبح آنچه از چهار پایان روزیشان نموده یاد کنند، خدای شما یکتاست، سپس تسلیم او شوید و فروتنان پاکدل را مژده بده؛ فروتنان پاکدل آنانند که چون یاد خدا شود و دلهاشان از عظمت دوست بترسد و بر مصائبی که به آنان رسد شکیبا باشند

ص:۱۲۱

و نماز بپا دارند و از آنچه روزی آنان نمودیم انفاق می کنند.

قربانی را برای شما از نشانه‌های عبادت خدا قرار دادیم، شما را در آن خیر و ثواب است، پس نام خدا را بر آنها در حالی که ایستاده‌اند یاد کنید و چون پهلوشان بر زمین افتد و قربانی شوند از آنها بخورید و به نیازمند بینوای خواهنده بخورانید، این حیوانات را اینچنین برای شما رام کردیم باشد که سپاس حق بجای آرید.

توجه داشته باشید که گوشت و خون قربانیها هرگز به خدا نمی‌رسد، لیکن پرهیزکاری و تقوای شما به حریم قدس او راه پیدا می کند، بدین گونه چهارپایان را رام شما کرده، تا خدای را به پاس آن که شما را هدایت نموده به بزرگی یاد کنید و نیکوکاران را مژده بده.»

آنچه از آیات سوره مبارکه حج در باب قربانی استفاده می‌شود این است که:

قربانی از شعائر الهی و نشانه عبادت حق است.

قربانی بخاطر ایجاد یاد خدا در قلب و بر زبان است.

قربانی برای ایجاد حالت تسلیم در قلبِ عبد نسبت به مولاست.

نشانه‌های اهل تسلیم ۴ چیز است:

۱- ترس در قلب از توجه به عظمت حضرت حق.

۲-صبر بر مشکلات و سختی‌ها؛ بخصوص در انجام مناسک حج.

۳- اقامه نماز.

۴- پرداخت آنچه روزی شده در راه حق.

قربانی روزی حلال خدا است.

ص:۱۲۲

قربانی برای خوردن و خورانیدن به مستحق شرعی است.

قربانی حیوانی رام است که رام بودن آن نعمت حق بر انسان و قابل شکر و سپاس است.

گوشت و خون قربانی ارزش رسیدن به حریم قرب حق را ندارد، آنچه به آن حریم ملکوتی می‌رسد تقوای قربانی کننده است که قربانی بعنوان عبادت از نشانه‌های تقواست.

قربانی بردن به پیشگاه حق در سرزمین منا، از اخلاق محسنین است و خلاصه در مسأله قربانی، آنچه مهم است بریدن گلوی هوای نفس و شهوات و خواسته‌های نامشروع است تا میدان تجلّی تقوای الهی در پهنه حیات و زندگی باز شود و زائر به حریم قدس دوست تا مرحله لقاء و وصال سفر کند و قربانی او در سرزمین منا بهای آزادی وی از آتش جهنم شود، در این زمینه به روایت بسیار مهم زیر توجه کنید:

عن أبی عبد اللَّه- علیه‌السلام- قال: «قال علی بن الحسین- علیه‌السلام- فی حدیث له: اذا ذبح الحاج کان فداه من النار.» «(۱)»

امامصادق- علیه‌السلام- فرمود: «در گفتاری از حضرت علی بن الحسین- علیه‌السلام- است: چون حاجی در وادی منا قربانی کند، قربانی او بهای آزادی وی از آتش قیامت است!»

۱- - محاسن برقی، ص ۶۷

ص:۱۲۳

حدیث:۳۳

حلق رأس

آنان که سر از بندگی حق می‌پیچند، و در مسأله عبادت و اطاعت از مولا دچار کبر و خود بزرگ بینی می‌شوند و روی عبادت به خاک درگاه دوست نمی‌گذارند، نعمت می‌خورند و کفران نعمت می‌کنند، دل به حق نمی‌دهند، و رو به جانب حضرت او نمی‌آورند، از زحمات انبیا و امامان و اولیا قدردانی نمی‌نمایند و خود را از تجلّی آیات قرآن بر قلوبشان محروم می‌کنند، با حضرت محبوبصفا نمی‌نمایند و برای شستشو به خرابات عشق حق قدم نمی‌گذارند، باید بدانند که بتدریج دنیای باطن و عرصه‌گاه غیب وجودشان دچار تاریکی می‌شود و این تاریکی و چرکِ باطن، هر لحظه افزوده می‌گردد تا جایی که به انکار تمام حقایق برخیزند و به بی‌نهایت پستی و ذلت درون برسند و از این طریق قیامت خود را نیز به تاریکی و ظلمات دچار کنند، ظلماتی که از پس آن حسرتی سنگین بر دل نشیند، حسرتی که برای آن علاجی نخواهد بود.

ص:۱۲۴

ولی اهل معرفت و آراستگان به عرفان حق، و اهل ریاضت و تسلیم، و عاشقان عبادت و بندگی، در هر لحظه نور باطن بیفزایند، و بر یقین و ایمان خود نسبت به حقایق اضافه کنند و از این طریق روشنایی و نور قیامت خود را تأمین نمایند که در عبادت و اطاعت، و بندگی و تقوا، و خوف و خشیت، و جود و سخاوت، و کرم و حسن خلق، نور محبوب در تجلی است و این نور بطور دائم برای انسان می‌ماند و در تمام عرصات به اذن حضرت محبوب به فریاد انسان می‌رسد.

از جمله اعمالی که منبع ایجاد نور و نورانیت در دنیا و آخرت است حلق رأس در سرزمین منا است.

در این زمینه روایت عجیبی از حضرت رضا- علیه‌السلام- رسیده که متن آن این است:

«... ثُمَّ احْلِقْ شَعرک فاذا أردت أن تحلق رأسک فاستقبل القبلهٔ و ابدأ بالناصیهٔ و أحلق من العظمین النابتین بحذاء الأذنین و قل: اللّهمّ اعطنی بکلّ شَعْرهٍٔ نوراً یوم القیامهٔ، و ادفن شعرک بِمِنی.» «(۱)»

«... سپس موی خود را حلق کن، چون خواستی حلق رأس کنی، روبروی قبله قرار بگیر و از پیشانی شروع کن و از جانب دو استخوان روییده شده روبروی دو گوش حلق کن و بهنگام این مسأله عبادی بگو: خداوندا به هر موی من نوری در قیامت عطا کن، سپس موی حلق شده را در سرزمین منا دفن کن.»

۱- - بحار، ج ۹۶، ص ۳۰۴

ص:۱۲۵

ابوبصیر در روایتی نقل می‌کند: مویی از سر حلق نمی‌شود مگر این که خداوند مهربان بخاطر آن نوری در قیامت برای زائر قرار می‌دهد و آنچه انفاق کند در پرونده‌اش ثبت می‌شود و چون به مکه برای حج تمتع رود و اعمالش را انجام دهد و به منا برگردد، در پاکی مانند کسی می‌شود که تازه از مادر به دنیا آمده است.» «(۱)»

۱- - بحار، ج ۹۶، ص ۳۱۵

ص:۱۲۶

حدیث:۳۴

حج و امامت و رهبری

هدف از عبادت و بندگی، نظم و ادب و اخلاق و متانت و پاکی و طهارت ظاهر و باطن و احسان و ایثار وصدق و کرامت و آرامش و امنیت و رشد و کمال در دنیا و فوز عظیم و رضوان و جنّت و رضا و خوشنودی حق و لقا و وصال محبوب در جهان آخرت است. عبادت و بندگی درصورتی این ثمرات عظیم و میوه‌های شیرین و منافع معنوی را ببار می‌آورد که مسائل مربوط به آن و آداب ظاهری و باطنیش از رهبران و امامان تعیین شده از جانب حق اخذ شود؛ به عبارت دیگر، از همانصراط مستقیمی که قرآن مجید بر آن اصرار دارد باید سالک عبادت عبور کند تا به نتایج شیرین بندگی دست یابد وصراط مستقیم جز آیات قرآن و مفسران حقیقی آن، که رسول خدا و دوازده امام معصومند، واقعیت دیگر نیست.

مشخّصه واقعی و امتیاز حقیقی مؤمن، به قبول ولایت و پذیرش کارگردانی ائمه طاهرین و اهلبیت طیّبین نبی اکرم است.

ص:۱۲۷

ولایت بنا بقول عارفان عاشق و دانشمندانصادق و بینایان واقف، چنانکه طریحی در مجمع البحرین آورده، عبارت است از: عشق ورزی به اهلبیت و متابعت از آنـان در دین و قبول اوامر و نواهی آن بزرگواران در عرصه عمـل و اقتـدای به آنان در اخلاق و کردار.

حـج ابراهیمی و به عبـارت دیگر اهل بیتی، حجی است که هـدایتگر عالمیان و قیام للناس و کفر ستیزی و برائت از مشـرکان است و حـج اموی و عباسـی، حـج فردی و حـج سـکوت و حـج بی‌معنـا و در یـک کلمه انجـام آدابی خشـک و ناقص و حرکاتی خارج از چهارچوب قرآن و سـنت و خلاصه، سلسله اعمالی بی‌روح است که روح دشمن و روح طاغوت و طاغوتیان و روح کفار و مشرکان از انجام آن شاد و خشنود است؛ چرا که در حج اموی و عباسی هیچ منفعتی متوجه زائر و هیچ ضرری متوجه دشمن نیست.

حجی که به قول حضرت صادق- علیه‌السلام- ناله و فریادش بسیار، ولی حاجی واقعیش فوق العاده اندك است، حج نیست.

حـج، سازمـان ملـل اسـلامی اسـت. حـج دوای درد ملّت‌هـای مسـلمان اسـت. حـج حلاـل مشـکلات امـت است. حـج وسـیله اتحـاد جمعیت‌های سرزمین‌های مختلف است. حج شفای دردهاست. حج عامل شناخت جوامع مسلمان از یکدیگر است. حج وسیله رأفت و رحمت و کرامت و سربلندی است ولی این همه، در سایه رهبری و امامت صحیح قابل تحقّق است.

ص:۱۲۸

مناسک، بدون رهبری و ولایت تعیین شده از جانب حق، به قول حضرت باقر- علیه‌السلام- انجام اعمالی چند به دور مقداری سنگ است. «(۱)» دستی که در انجام مناسک در دست اهل بیت پیامبر نیست، در دست رحمت خدا قرار نمی‌گیرد. حاجیان بزرگواری که در حدود یک ماه در این سفر الهی بسر می‌برند، فرصت مناسبی در اختیار دارند تا توسط دانشمندانی که با کاروانها هستند، بیش از پیش با موقف و موقعیت اهل بیت و امامان معصوم آشنا شوند و ولایت خود را کامل کنند و نسبت به آن بزرگواران تا سر حدّ ایثار جان و مال در کنار بیت حق تعهد کرده و عهد و پیمان ببندند.

در این زمینه به روایت بسیار مهمّی که از قلب عرشی معصوم در کتب روایی روایت شده توجه کنید:

عن زرارة عن أبی جعفر- علیه‌السلام- قال: «انما أمر الناس أن یأتوا هذه الأحجار فیطوفوا بها ثم یأتونا فَیُخْبِرونا بولایتهم و یعرضوا علینا نصرهم.» «(۲)»

زراره که از معتبرترین راویان مکتب اهل بیت و مورد اعتماد و اطمینان امامان شیعه می‌باشد از حضرت باقر- علیه‌السلام- روایت می‌کند: «همانا مردم دستور دارند به سوی این سنگ‌ها بیایند، سپس به دور آنها طواف کنند آنگاه به پیشگاه ما آمده از ولایت خودشان نسبت به ما خبر دهند و نصرت و یاری خود را در تمام زمینه‌ها به ما عرضه کنند!»

۱- - عیون الاخبار، ج ۲، ص ۲۶۲

۲- - بحار، ج ۹۶، ص ۳۷۴

ص:۱۲۹

حدیث:۳۵

مدینه طیبه

زائر چون وارد مـدینه شود، با دیـدن آن شـهر بایـد بیاد آورد: اینجا جایی است که خدای مهربان برای پیامبرش اختیار کرد، شـهری است که نبی اکرم-صـلی اللَّه علیه و آله- به دسـتور حق آن شـهر را بعـد از هجرت بعنوان «مرکز پخش اسـلام نـاب» انتخاب فرمود، شهری است که زمینه سعادت دنیا و آخرت مردم در آنجا فراهم آمد.

مدینه مرکزی است که پیامبر بزرگ اسلام با تحمل انواع شدائد و سختی‌ها، پیام الهی را به مردم ابلاغ کرد.

مدینه جایی است که برای اعلام اسلام، از طرف دشمنان خدا نزدیک به هشتاد جنگ به مسلمانانصدر اول تحمیل شد، ولی آنان در سایه رهبری رسول خدا-صلی اللَّه علیه و آله- در برابر آنهمه جنگ در طول دهسال، مقاومت کردند تا چرخ مکتب الهی به حرکت آمـد، جنگ‌هـایی که مردم دور از انصـاف برای متلاشـی کردن حقیقت آغـاز کردنـد و پیامبر عزیز و مردم مؤمن در مرحله دفاع از حق، شهدا

ص:۱۳۰

و مجروحین زیادی تقدیم راه خدا نمودند.

رسول حق و یارانش در مدینه برای تأمین خیر دنیا و آخرت مردم چه اندازه زحمت کشیدند و سختی دیدند؟!

مدینه جایی است که برای اعلای کلمه حق، پیران و جوانان و مردان و زنانی در خون خود غلتیدند.

مدینه شهری است که سالها شاهد عالی‌ترین خدماتصادقانه از جانب اهل بیت و یارانشان نسبت به اسلام ناب بود.

در آنجا مظهر عصمت و عفت؛ یعنی فاطمه اطهر، با پوششی کامل و حجابی جامع، که دستور خداوند است، به مسجد آمد و برای اقامه حق و بپا شدن عدل، داد سخن داد.

زهرای مرضیه از آن شهر به تمام زنان جهان، بخصوص زنان مسلمان، درس عفت و عصمت و پوشش و حجاب و دور بودن از دسترس نامحرمان را داد.

تو ای زائر محترم، در این شهر بزرگ در برابر پیامبر و ائمه بقیع و حضرت زهرا و شهدا قرار داری، خود را در تمام شؤون، با آن بزرگواران بسنج و در وضع خود بیش از پیش دقت کن.

در آن شهر حرم رسول خدا و حرم امامان مظلوم و حرم فاطمه زهرا و حرم شهدای احد و قبور اولیای حق در بقیع وجود دارد، فرصت اندک خود را غنیمت بدان و تا بتوانی در آن شهر به عبادت و روزه و قرائت قرآن مداومت کن، بخصوص واقعیاتی که در روایت زیر است فوق العاده مورد توجه قرار ده تا به بهره عظیم و منفعت سنگین برسی.

ص:۱۳۱

«انّ بین قبر النبی-صلی اللّه علیه و آله- و بین المنبر، روضهٔ من ریاض الجنهٔ، أنه من عبد اللّه بین القبر و المنبر و عرف حق رسول اللّه-صلی اللّه علیه و آله و اهل بیته- و تبرّأ من أعدائهم فله عند اللّه عزّ وجلّ روضهٔ من ریاض الجنهٔ، و لا یکون له ذلک فی غیر ذلک الموضع.» «(۱)»

«میان قبر رسول خدا و منبر، باغی از باغهای بهشت است. کسی که بین قبر و منبر به عبادت خدا برخیزد و حق پیامبر و اهل بیتش را بشناسد و از دشمنان آنان بیزاری قلبی و عملی جوید، در نزد خدا باغی از باغهای بهشت از آن اوست و این چنین نصیبی در غیر این محل برای انسان نیست.»

عرفان به حق نبی اکرم و اهل بیتش به این است که آن حضرت را فرستاده خدا بداند و اهل بیت را امامان انتخاب شده از جانب حق برای هدایت مردم تا روز قیامت به حساب آورد و آن بزرگواران را در تمام شؤون زندگی مادی و معنوی واجب الاطاعه بدانـد و خود را تسلیم آنان نموده به فرهنگ سعادتبخش آنان گردن نهد و اوامر آنان را عمل و از آنچه نهی کرده‌اند بپرهیزد.

۱- - بحار، ج ۹۶، ص ۳۸۲

ص:۱۳۲

حدیث:۳۶

مشاهد مشرفه در مدینه طیبه

عن جعفر بن محمد- علیهماالسلام- انّه قال: «و من المشاهد فی المدینهٔ التی ینبغی ان یؤتی الیها و تشاهد و یُصلی فیها و یتعاهد، مسجد قُبا وهو المسجد الذی أُسِّسَ علی التَّقوی. و مسجد الفتح و مسجد الفضیخ و مشربهٔ أمّ ابراهیم و قبر حمزهٔ و قبور الشهداء.» «(۱)»

حضرت صادق- علیه‌السلام- فرمودند: «از مشاهدی که در مدینه سزاوار است به سوی آن بروند و مشاهده کنند و در آن نماز بجای آورند و با خدای خویش عهد و پیمان بندگی ببندند مسجد قباست، مسجدی که بر اساس تقوا بنا شده، و مسجد فتح و مسجد فضیخ و مشربه ام ابراهیم و قبر حمزه و قبور شهدا است.»

۱- - دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۹۶

ص:۱۳۳

حدیث:۳۷

زیارت رسول خدا

شهید بزرگوار که از علمای بزرگ شیعه وصاحب تألیفات ارزشمند است، در کتاب دروس برای زیارت آدابی ذکر کرده؛ از جمله:

۱- غسل و رفتن به زیارت پس از غسل با حال خضوع و خشوع و لباس پاکیزه.

۲- ایستادن کنار در حرم و خواندن دعا و طلب اذن ازصاحب قبر با خشوع و رقّت قلب و قدم گذاردن در حرم با پای راست و خروج از آن با پای چپ.

۳- زیارت در کنار قبر یا نزدیک قبر یا چسبیده به قبر یا تکیه بر ضریح و بوسیدن آن به احترامصاحب قبر.

۴- زیارت خواندن روبروی چهرهصاحب قبر و دعا با حالت زاری و گریه و گدایی از خداوند با قسم دادن به حضرت حق به حق حضرتش و حقصاحب قبر و این که خداوند او را مورد شفاعتصاحب قبر قرار دهد.

ص:۱۳۴

۵- زیارت خواندن، به همان زیارتی که از جانب معصوم در کتب معتبره روایت شده.

۶- دو رکعت نماز پس از اتمام زیارت.

۷- دعا بعد از نماز برای امور دین و دنیا و برای همگان تا به استجابت نزدیک باشد.

۸- تلاوت قرآن مجید در کنار قبر.

۹- حضور قلب در حرم مطهّر در جمیع حالات تا جایی که امکان دارد و توبه از گناه و طلب مغفرت از حضرت محبوب.

۱۰-صـدقه دادن به آنان که دست انـدر کار مشاهـد مشرفه‌اند، درصورتی که اهل خیر وصـلاح و دین و مروّتند و دارایصبر و کظم غیظاند و به حوائج زائر رسیدگی می‌کنند و به غریب و گم شده توجه دارند که لطف به آنان در حقیقت لطف بهصاحب قبر است.

۱۱- تکرار زیارت.

۱۲- بعد از هر زیارتی، زائر بهتر از زیارت قبل، در اخلاق واعمال، باشد؛ چرا که زیارت باید بار سنگین مفاسد روحی و عملی را از دوش زائر بریزد و گرنه زیارت او زیارت نیست.

۱۳- تعجیل در خروج پس از زیارت، بخصوص وقت ادای نیاز و احتیاج.

۱۴-صدقه دادن به فقرا و مساکین و محتاجان مقیم بقعه معصوم، که صدقه در این موارد ثوابش چند برابر مراکز دیگر است.

۱۵- رعایت تقیه در مواردی که تقیه از واجبات آیین اهل بیت

ص:۱۳۵

است.

چون این شرایط حاصل شد به قصد زیارت رسول خدا به روضه مطهره داخل شو که زیارت رسول حق در مدینه طیبه علت کمال حج است.

عن الصادق- علیه‌السلام- قال: «اذا حجّ أحدکم فلیختم حجّه بزیارتنا لأنّ ذلک من تمام الحج.» «(۱)»

امام ششم- علیه‌السلام- فرمود: «زمانی که یکی از شما حج بجای آورد، حج خود را به زیارت ما در مدینه ختم کند که زیارت ما (رسول خدا، زهرای مرضیه، و چهار امام مدفون در بقیع) از تمام بودن حج است.

و آن حضرت در باب زیارت رسول خدا-صلی اللّه علیه و آله- از خود رسول حق روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: «هر کس مرا در زنده بودن و پس از مرگ زیارت کند، در قیامت شفیع او خواهم بود.» «(۲)»

۱- - بحار، ج ۹۷، ص ۱۳۹

۲- - بحار، ج ۹۷، ص ۱۳۹

ص:۱۳۶

حدیث:۳۸

نماز در مسجدالنبی-ص-

قال ابو عبد اللَّه- علیه‌السلام-: «صلاهٔ فی مسجد النبی-صلی اللَّه علیه و آله- تعدل عشرهٔ آلافصلاهٔ.» «(۱)»

امام صادق- علیه‌السلام- فرمود: «یک نماز در مسجد پیامبر برابر ده هزار نماز است.»

چه نیکو است زائر فرصت اندکِ خود را در مدینه که ممکن است تا آخر عمر چنان فرصتی نصیبش نشود،صرف نماز در مسجد رسول حق و دعا و قرآن و زیارت کند تا پس از مرگ دچار حسرت و اندوه نگردد، حسرت و اندوهی که جای جبران ندارد.

۱- - بحار، ج ۹۶، ص ۳۸۲

ص:۱۳۷

حدیث:۳۹

زیارت فاطمه- سلام اللّه علیها-

عن جعفر بن محمـد الصادق عن آبائه- علیهم‌السلام- قال: «من زال قبر الطاهرهٔ فاطمهٔ ... ثم استغفر اللّه، غفر اللّه له و أدخله الجنهٔ.» «(۱)»

امام صادق- علیه‌السلام- از پدران بزرگوارش روایت می‌کند: «هر کس قبر فاطمه طاهره را به زیارتی که از ما رسیده زیارت کند، سپس از خداوند طلب مغفرت نماید، خداوند او را مورد غفران قرار می‌دهد و در قیامت وارد بهشت گرداند.»

زیارت رسیده از امامان بزرگوار، در مفاتیح الجنان و کامل الزیارات و اقبال و بحار (ج ۹۷) ذکر شده است.

۱- - بحار، ج ۹۷، ص ۱۹۹

ص:۱۳۸

حدیث:۴۰

ثواب عهده‌دار امور زائر در نبود زائر

قال علی بن الحسین- علیهماالسلام-: «من خلف حاجّاً فی أهله و ماله کان له کأجره حتی کأنّه یستلم الأحجار.» «(۱)»

حضرت سجاد- علیه‌السلام- فرمود: «آن که در وطن، در نبود زائر، عهده‌دار امور خانوادگی و مالی حاجی شود، اجرش مانند اجر حاجی است، و حتی مانند این است که خود او به زیارت رفته باشد.»

۱- - محاسن برقی، ص ۷۰؛ بحار، ج ۹۶، ص ۳۸۷.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».